



The Relationship between Social and Intellectual Capital on Audit Outputs

Fateme saeedi¹, Mehdi salehi², Nour mohammad yaghoubi³

Received: 2022/07/24

Approved: 2022/09/06

Research Paper

Abstract

The present study assesses the relationship between social and intellectual capital and audit outputs (audit quality, audit report delay, and audit opinion) in the Tehran Stock Exchange-listed firms. A multivariate regression model tests the hypotheses. Research hypotheses were examined using a sample of 1310 observations on the Tehran Stock Exchange from 2013 to 2019 by employing the multivariate regression pattern based on panel data technique and fixed and random effects models. The results indicate a positive and significant relationship between social capital, intellectual capital, and audit quality. The relationship between social capital and intellectual capital and audit report delay is negative and significant. However, the relationship between social and intellectual capital and the auditor's opinion is positive and significant. Since the present study is the pioneer paper on such a topic in Iran's emerging markets, it provides helpful information for the users, analysts, and legal institutions about the effect of social and intellectual capital on audit outputs.

Key words: social capital, intellectual capital, audit report delay, type of auditor's report, audit quality.

 10.22034/JPAR.2022.559040.1100

1. Ph.D. Student in Accounting, Zahedan branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.
fatemesaeedi79@yahoo.com

2. Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) mehdi.salehi@um.ac.ir

3. professor, Department of Management, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. yaghoubi@mgmt.usb.ac.ir
<http://article.iacpa.ir>

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فکری با خروجی‌های حسابرسی

فاطمه سعیدی^۱، مهدی صالحی^{۲*}، نور محمد یعقوبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فکری با خروجی‌های حسابرسی (کیفیت حسابرسی، تأخیر در گزارش حسابرسی و نوع اظهار نظر حسابرسی) شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار ایران می‌باشد. به عبارتی این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که آیا سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری می‌تواند بر کیفیت حسابرسی، تأخیر در گزارش حسابرسی و نوع اظهار نظر حسابرس تأثیر مطلوبی داشته باشد؟ بدین منظور، برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. فرضیه‌های پژوهش نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۳۱۰ مشاهده پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار ایران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ و با بهره‌گیری از الگوی رگرسیونی چندگانه مبتنی بر تکنیک داده‌های تابلویی و مدل اثرات ثابت و تصادفی مورد آزمون قرار گرفت. همچنین برای محاسبه کیفیت حسابرسی از تحلیل عاملی اکتشافی ۵ متغیر (دوره تصدی، تغییر حسابرس، بزرگی مؤسسه حسابرسی، استقلال مالی حسابرسان و تجدید ارائه صورت‌های مالی) استفاده شده است. یافته‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود داشته است اما بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با نوع اظهار نظر حسابرس (گزارش مقبول) رابطه مثبت و معناداری برقرار بوده است. از آنجا که پژوهش حاضر اولین پژوهشی است که به بررسی چنین موضوعی در بازارهای نوظهور ایران پرداخته لذا به استفاده‌کنندگان، تحلیل‌گران و نهادهای قانونی اطلاعات سودمندی در خصوص تأثیر سرمایه اجتماعی و فکری که تأثیر بسزایی بر خروجی‌های حسابرسی دارد، ارائه می‌دهد. همچنین نتایج این پژوهش به توسعه علم و دانش در این حیطه کمک شایانی ارائه و شکاف موجود در ادبیات را برطرف می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری، تأخیر در گزارش حسابرسی، نوع اظهار نظر حسابرسی، کیفیت

حسابرسی.

doi: 10.22034/JPAR.2022.559040.1100

fatemesaeedi79@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

mehdi.salehi@um.ac.ir

۲. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

yaghoubi@mgmt.usb.ac.ir

۳. استاد، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

http://article.iacpa.ir

۱- مقدمه

سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها در هر سازمانی است. از این‌رو اخیراً تحقیقات زیادی درباره موضوع سرمایه فکری انجام شده است. بسیاری از منابع شرکت مانند دارایی‌های فیزیکی یا مالی، صرف دارایی‌هایی ناملموس شده‌اند که این دارایی‌ها، کمیاب، با ارزشی غیرقابل تعویض می‌باشند (روس، ۱۹۹۷). ما در حال وارد شدن به یک جامعه علمی هستیم که در آن منابع اقتصادی اصلی، دیگر سرمایه، منابع طبیعی و نیروی کار بیش‌تر و... نیست، بلکه منابع اقتصادی اصلی دانش خواهد بود. در سال‌های اخیر مطالعات زیادی درباره ارزش سرمایه فکری شرکت‌ها انجام شده است. شکی نیست که قرن ۲۱ شاهد یکسری تغییرات اساسی در پیدایش ثروت ملت‌ها شود. با ورود به اقتصاد دانش‌محور دانش در مقایسه با سایر عوامل تولید مانند زمین، سرمایه و ماشین‌آلات از ارجحیت بیش‌تری برخوردار گردیده است به طوری که در این اقتصاد، دانش به‌عنوان مهم‌ترین عامل تولید محسوب و از آن به‌عنوان مهم‌ترین مزیت رقابتی سازمان‌ها نام برده می‌شود (سی درامن، ۲۰۰۲). شرکت‌هایی که خواهان حفظ و گسترش عملکرد مالی خود هستند و می‌خواهند از مزیت رقابتی و تأثیرات این سرمایه جدید و نوظهور استفاده کنند و به قلمرو اقتصاد دانش‌محور وارد شوند، نیازمند دستیابی به مدل‌های جدیدی از دارایی‌های سازمانی هستند. ظهور عصر اطلاعات و اقتصاد دانش‌محور سازمان‌ها را تأکید بر منابع مالی و پولی به سمت دارایی‌های نامشهود کشانده است. بر عکس مدیران بخش تولیدی که هدف اصلی آن‌ها سودآوری است، مدیران سازمان‌های خدماتی تمایل دارند اهداف چندگانه و با ماهیت غیرمالی داشته باشند. همچنین حتی اگر بخش‌های تولیدی و خدماتی ورودی‌های کاری یکسانی (مانند منابع انسانی، دانش، پول، مواد خام و کارخانه) را به کار ببرند، بخش خدمات استفاده بیش‌تری از دو منبع اول دارد که دو منبع اول به‌طور قطع نامشهود هستند. در نهایت محصول نهایی سازمان‌های خدماتی دارایی‌های نامشهود هستند (همان). علاوه بر این، تحقیقات انجام شده، در طی سه دهه گذشته نیز نشان می‌دهد که: ۱- به منظور تضمین مدیریت کارآمد سازمان، منابع نامشهود باید شناسایی، سنجش و مدیریت بشوند. ۲- رابطه معناداری بین اغلب سرمایه‌گذاری‌ها در منابع نامشهود و درآمد حاصل از آن‌ها و خلق ارزش‌ها در سازمان‌ها وجود دارد. ۳- منابع نامشهود عامل عمده رشد و پیشرفت جوامع هستند و سنجش و مدل‌سازی آن‌ها برای طراحی و اجرای سیاست‌های عمومی ضروری است (سالیوان، ۲۰۰۰). سازمان‌های مبتنی بر دانش بخش بزرگ و حیاتی از جوامع مدرن را تشکیل می‌دهند و سهم بیش‌تر و مؤثرتری در بازار به‌دست می‌آورند (ابیلی، ۲۰۱۰). دیدگاه دانش‌محور نشان می‌دهد که دانش منبع اصلی ارزش است و ایجاد ارزش سازمانی عمدتاً تابع‌کنترلی از توانایی سازمان برای جمع‌آوری و استفاده از دانش است (هوسو و ساب هروال، ۲۰۱۱؛ ژو و لی، ۲۰۱۲). سرمایه فکری جمع تمام دانش‌ها و قابلیت‌های دانستن است (استوارت، راک دشل، ۱۹۹۸؛ تی سی، ۲۰۰۰؛ ناهاپایت، گوشال، ۱۹۹۸). دانشمندان عموماً توافق دارند که سرمایه فکری به‌عنوان یک منبع غیرفیزیکی و غیرپول‌ی، برای خلق ارزش و استخراج ارزش از طریق دانش به سازمان کمک می‌کنند. دانش نه تنها به‌وسیله افراد نگهداری

می‌شود بلکه توسط پایگاه داده‌های سازمانی، فرآیندهای کسب و کار، سیستم‌ها و روابط نیز ذخیره می‌شود (سرنکو، بنتیس، ۲۰۰۴؛ یون دت و همکاران، ۲۰۰۴؛ ژارینو و، ۲۰۱۱).

سرمایه انسانی نیز یکی از اجزای اصلی سرمایه فکری است که می‌تواند تأثیر بسزایی بر واحدهای تجاری و خدمات حسابرسی داشته باشد. به عبارتی سرمایه انسانی عبارت است از جمع‌آوری منابع نامرئی که در اعضای یک سازمان نهفته است و شامل صلاحیت‌ها (مهارت‌ها، آگاهی و فوت و فن، گرایشات (انگیزه، کیفیت رهبری، مدیریت ارشد) و چالاکی فکری فرد (نوآوری، کارآفرینی و غیره) می‌شود. چالاکی فکری فرد را قادر می‌سازد تا رویکردها را تغییر دهد و برای مشکلات به راه‌حل‌های نوآورانه بیندیشد (خاسانه، ۲۰۱۱). شاخص‌های سرمایه انسانی شامل نگرش، شایستگی، خلاقیت، مهارت و تخصص افراد است.

یکی دیگر از سرمایه‌های تأثیرگذار بر جامعه و واحدهای تجاری سرمایه اجتماعی است که امروز نقش و جایگاه بسیار پررنگی در ارزش‌آفرینی شرکت‌ها و جوامع ایفا می‌کند. وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و فقدان سرمایه اجتماعی مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن است. جوامع دارای این نوع سرمایه بستر مناسبی برای شکل‌گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخ‌گو و کارآمد فراهم می‌سازند. در مقابل، تهی شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی در حوزه برنامه‌ریزی منجر می‌شود. سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که در سال‌های اخیر وارد حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی شده و از این منظر دریچه تازه‌ای را در تحلیل و علت‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشوده است. در این زمینه مطالعات وسیعی توسط صاحب‌نظران و دانشمندان این علوم صورت گرفته و نظریه‌پردازی همچون جین جاکوب (۱۹۶۱)، لوری (۱۹۷۰) بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسن (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳)، جیمز کلنن (۱۹۶۶)، رابرت پاتنام (۱۹۷۰)، پیربوردیو (۱۹۸۰) و فرانسین فوکویاما (۱۹۹۰) تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. به‌عنوان مثال: جیمز جاکوب (۱۹۶۱) در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. به بیان کلی این سرمایه‌ها می‌تواند بر واحدهای تجاری، پیچیده‌تر شدن آن‌ها، بزرگ‌تر و شهرت کسب کردن آن‌ها و حتی بر ورود و خروج سرمایه‌گذاری‌ها نیز تأثیرگذار باشند. ما در این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع هستیم که این سرمایه‌ها می‌توانند چه تأثیری بر خروجی‌های حسابرسی نظیر: کیفیت حسابرسی، به‌موقع بودن گزارش و نوع اظهارنظر حسابرسان داشته باشند. چراکه به‌طور کلی تحقیقات نشان دادند که واحدهای تجاری که پیچیده‌تر هستند نیازمند عملیات حسابرسی گسترده‌تری نیز می‌باشند، لذا باید حسابرسی با دوره زمانی بیش‌تر، کیفیت بالاتر، با دقت بالا و حق‌الزحمه بیش‌تری صورت گیرد. چرا که بخش عمده‌ای از اطلاعات موردنیاز سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان یک شرکت را صورت‌های مالی تأمین می‌کنند. بر مبنای

چنین سطح اطمینانی به صورت‌های مالی، نقش حساب‌رسان نیز نقش حیاتی است. حساب‌رسی صورت‌های مالی امری ضروری است؛ چون صورت‌های مالی حساب‌رسی شده قادرند این اطمینان را جهت سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان فراهم کند که اطلاعاتی معتبر و قابل‌اتکا در اختیار آنان قرار گرفته است. لذا، حساب‌رسی صورت‌های مالی می‌تواند ارزش افزوده اقتصادی برای یک شرکت به وجود آورد. با در نظر داشتن اهمیت خدمات حساب‌رسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حساب‌رسی، یافتن شیوه‌ای اثربخش برای کنترل کیفیت حساب‌رسی، موضوعی ضروری می‌باشد. حق‌الزحمه حساب‌رسی را می‌توان مهم‌ترین جنبه کنترل و مدیریت کیفیت حساب‌رسی در نظر گرفت. می‌توان عنوان نمود حق‌الزحمه خدمات حساب‌رسی شرط مهمی برای اطمینان نسبت به کیفیت حساب‌رسی است. حق‌الزحمه حساب‌رسی بالا نشان‌دهنده هزینه حساب‌رسی با کیفیت بالاتر نیست اما افزون بر دارا بودن کیفیت حساب‌رسی مطلوب، مؤسسات حساب‌رسی هزینه استاندارد را برای انجام کار خود در نظر دارند که به صورت طبیعی حق‌الزحمه دریافتی آن‌ها بالاتر از این هزینه‌ها می‌باشد. در صورت وجود رقابت در بازار، مؤسسات حساب‌رسی افزون بر دریافت حق‌الزحمه کم‌تر ممکن است صاحب‌کاران خود را نیز از دست بدهند. چنانچه مؤسسات حساب‌رسی حق‌الزحمه خیلی بیش‌تری را نسبت به هزینه‌های صرف کرده جهت انجام حساب‌رسی مطالبه کنند، دیدگاه جامعه نسبت به کیفیت کار آن‌ها با تردید همراه خواهد بود (خوروات، ۲۰۰۸). لذا بررسی عوامل اثرگذار بر حق‌الزحمه حساب‌رسی مسئله‌ای است که نیاز به بررسی از جنبه‌های گوناگون دارد.

حساب‌رسی مستقل فرآیندی است که با مدنظر گرفتن محدودیت‌های حاکم بر کشف تقلبات، به عاری بودن صورت‌های مالی از تخلفات و اشتباهات اطمینان می‌دهد. در این بین، گزارش حساب‌رس مستقل، درباره صورت‌های مالی، عدم تقارن اطلاعات بین مدیران شرکت و استفاده‌کنندگان را کاهش می‌دهد و به تسهیل معاملات در بازار سرمایه کمک می‌کند. لذا ضروری است که حساب‌رسان دارای یکسری ویژگی‌هایی باشند که مدنظر عموم استفاده‌کنندگان است. چراکه ثمره فرآیند حساب‌رسی گزارشی است که برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر عاملی که بر این گزارش تأثیرگذار باشد، اهمیت مخصوص به خود را دارد. این عوامل می‌توانند ویژگی‌های اکتسابی (کیفیت حساب‌رسی، حق‌الزحمه وی، به‌موقع بودن گزارش و نوع اظهارنظری که وی ارائه می‌دهد) باشند. طبق تئوری نمایندگی حرفه حساب‌رسی به وجود آمد تا از منافع سهامداران در قبال مدیران حفاظت نماید. از این‌رو ما ضروری دانستیم تا تأثیر سرمایه اجتماعی و انسانی را بر خروجی‌های فرآیند حساب‌رسی که از نظر سهامداران از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد را در بازارهای نوظهوری همچون ایران که بازار حساب‌رسی آن به شدت رقابتی می‌باشد، مورد بررسی قرار دهیم تا مشخص نماییم که این تأثیر در بازار رقابتی ایران به چه نحوی خواهد بود. زیرا تاکنون چنین تحقیقی در ایران و بازار اقتصادی آن صورت نگرفته است. از این‌رو می‌تواند کمک بسیار زیادی به ادبیات موضوعی این مسئله در ایران ارائه نماید.

۲- مبانی نظری و توسعه‌ی فرضیه‌ها

سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که در سال‌های اخیر وارد حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی شده و از این منظر دریچه تازه‌ای را در تحلیل و علت‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشوده است. یک مثال عینی این تعریف را در دنیای امروزه می‌توان در تشکلهای غیردولتی حمایت از محیط‌زیست یافت. این شبکه اجتماعی بعضاً نیروهای قدرتمندی را به صورت سمن‌ها به وجود می‌آورد که حتی در حمایت از محیط‌زیست موجب توقف پروژه‌های عمرانی دولت نیز می‌شوند. گلن لوری (۱۹۷۰) سرمایه اجتماعی را مجموع منابعی می‌داند که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است. بن‌پرات در تعریف سرمایه اجتماعی، روابط بین افراد یک خانواده، گروهی از دوستان یا شرکای یک شرکت را به صورت رابطه F تعریف می‌کند و به بررسی اثرات این رابطه بر مبادلات اقتصادی می‌پردازد. ویلیامسن و بیکر (۱۹۸۰) که به دنبال مطالعات بن پرات در پی بررسی شیوه اثرگذاری یک سازمان اجتماعی بر عملکرد نهادهای اقتصادی بوده‌اند، مجموعه‌ای از مطالعات را پایه‌گذاری کرده‌اند که اقتصاد نهادی نام گرفته است. بیکر نشان داده است که چگونه روابط میان سوداگران در بازار فوق‌العاده عقلانی شده بورس تجاری شیکاگو توسعه می‌یابد، حفظ می‌شود و بر فعالیت داد و ستد تأثیر می‌گذارد. از نظر پی‌بورديو (۱۹۸۰) سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل بین افراد - یا به بیان دیگر عضویت در گروه - است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها است. در واقع پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد. برخلاف بورديو، کلمن (۱۹۶۶) از واژگان مختلفی برای سرمایه اجتماعی کمک گرفت. وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریفی ماهوی. بر این اساس سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست اما نسبت به فعالیت‌های بخصوصی تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیانمند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد قرار دارد و نه در ابزار فیزیکی تولید. بنابراین از نظر کلمن سرمایه اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون این چارچوب می‌شود، به‌گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دستیابی به هدف معین هزینه بیشتری به افراد آن جامعه

تحویل کند. از نظر پاتنام (۱۹۷۰) سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیان دقیق‌تر سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه جداسدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تجسم موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند.

پاتنام (۱۹۷۰) بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود که عبارت است از: سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (یا انحصاری). سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود. فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و سبب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. فوکویاما سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک پدیده جامعه‌شناختی مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او سرمایه اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارد و هرچه قدر شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و به تبعیت از آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت. آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود، هدایت می‌کند. آنچه از این تعریف استنباط می‌شود این است که هرچند ممکن است سرمایه اجتماعی به دلیل تقویت نیروهای جاذبه بین اعضای یک گروه و نیروهای دافعه بین گروه‌های متفاوت لزوماً عامل مثبتی در یک جامعه به شمار نیاید ولی قطعاً برای پیشبرد و سهولت در عملکرد اقتصادی، اجتماعی آن‌ها، جامعه یک عامل ضروری به شمار می‌رود. بنابراین میزان سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌تواند نشان‌دهنده شکاف موجود بین آنچه یک جامعه انتظار دارد و آنچه حکومت ارائه می‌دهد دانست. از طرفی، قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی به‌عنوان شاخصی از خروجی‌های حسابرسی یکی از مسئله‌های مطرح شده در عصر امروزی می‌باشد که مورد توجه محققان زیادی قرار گرفته است. در حال حاضر مطالعات و پژوهش‌های مختلفی در زمینه عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی از جمله (جاز و همکاران، ۲۰۱۸؛ ماند و همکاران، ۲۰۱۷؛ آرونمان، آکفورد، ۲۰۱۵؛ لیم، وو، ۲۰۱۴؛ آستانا، بونه، ۲۰۱۲) مورد بررسی قرار گرفته است. آگاهی از عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی هم برای صاحب‌کاران و هم برای حسابرسان موضوع مهم و مفیدی است. می‌توان حسابرسی را خدمتی متمایز در نظر گرفت که در آن صاحب‌کاران می‌توانند تا حدودی حسابرسان، دامنه حسابرسی و حتی کیفیت حسابرسی را تعیین کنند. پژوهش‌های (بال و همکاران، ۲۰۱۲) نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی با ساعات کار حسابرسی ارتباط مستقیم دارد و صاحب‌کاران

با حسابرسان در مورد برنامه‌های حسابرسی و دامنه حسابرسی مذاکره می‌کنند تا حق الزحمه حسابرسی را کاهش دهند. برای رقابت بر پایه‌ای به غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، مؤسسات حسابرسی به دنبال بهینه نمودن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهادها برای آن هستند. بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند. به همین منظور، آگاهی از عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی می‌تواند بسیار مفید باشد (چو و همکاران، ۲۰۰۸). عامل‌های مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی در بسیاری از پژوهش‌ها به دو گروه اصلی به شرح زیر تقسیم شده است (هارشانی، ۲۰۰۸):

۱- عامل‌های مربوط به عرضه‌کنندگان خدمات حسابرسی مانند حسابرس متخصص در صنعت، شهرت و اعتبار مؤسسه حسابرسی، استقلال حرفه‌ای مؤسسه حسابرسی، اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی

۲- عامل‌های مربوط به متقاضیان خدمات حسابرسی مانند دعاوی حقوقی مطرح شده علیه شرکت صاحب‌کار، شهرت و اعتبار شرکت صاحب‌کار، اندازه شرکت صاحب‌کار و خطر شرکت صاحب‌کار.

از طرفی، میزان سرمایه اجتماعی نیز بر واحدهای تجاری تأثیر بسیاری می‌تواند داشته باشد. بدین معنا که سرمایه اجتماعی واحدهای تجاری که بالا است، از شفافیت بیشتری برخوردار هستند، افشایات بسیاری را ارائه می‌دهند. لذا حسابرس در این نوع شرکت‌ها با مشکلات کمتری روبه‌رو خواهد بود، چراکه ارزش سهام این شرکت‌ها بالاتر است. جامعه برای واحدهای تجاری که به سرمایه اجتماعی ارجح می‌نهند، احترام قائل است. لذا دید مثبتی از سوی جامعه و حسابرسان به سمت این‌گونه واحدها سرازیر است. از این‌رو ما انتظار داریم که سرمایه اجتماعی همان‌طور که بر حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است، بر کیفیت، به‌موقع بودن گزارش و نوع اظهارنظر نیز تأثیرگذار باشد. تحقیقاتی هم که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است به شرح زیر می‌باشد: دارابی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه حسابرس با کیفیت گزارش‌گری در شرکت‌های بیمه‌ای پرداختند. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، بیان‌کننده وجود رابطه‌ای معنادار و مستقیم (مثبت) بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه حسابرسی با کیفیت گزارش‌گری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای ایران می‌باشد.

بیگ‌پناه و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند شاخص‌های رویه آموزش و رویه ارتقا و پاداش با کیفیت حسابرسی مرتبط است و اهرم کارکنان مناسب، موجب ارائه کیفیت بالای حسابرسی به صاحب‌کاران می‌شود.

مرانجوری و علیخانی (۱۳۹۹) در پژوهشی، ارتباط بین تحصیلات شرکای حسابرسی (سرمایه انسانی) و احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی و تأثیر تجربه شریک بر ارتباط بین تحصیلات شرکا و احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تحصیلات شرکا موجب کاهش سطح تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود و تجربه شرکا، میزان

ارتباط بین تحصیلات شرکا و احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را تقویت می‌کند. گرجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) طی پژوهشی به بررسی تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند و نشان دادند که اندازه مؤسسه حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبتی دارد و همچنین اندازه مؤسسه حسابرسی بر رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. آبی‌دین و زالوکی (۲۰۱۲) تأثیر اندازه حسابرسی در صنعت را بر به‌موقع بودن گزارش‌گری سالانه بررسی کرده‌اند. نتایج آنان نشان می‌دهد شرکت‌های دارای حسابرسی متخصص نسبت به شرکت‌های دارای حسابرسی غیرمتخصص در به‌موقع بودن گزارش‌گری مالی برتری ندارند. در مقابل، نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که توسط چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ، حسابرسی می‌شوند گزارش‌های سالانه خود را به موقع‌تر افشا می‌کنند.

به‌روزی و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند عوامل مؤثر بر گزارش به‌موقع حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران عبارت‌اند از: حق‌الزحمه حسابرسی، نوع حسابرسی، اندازه مؤسسه حسابرسی، نوع اظهارنظر حسابرسی، و زیان‌ده بودن شرکت.

گوگیلوانی و موحد (۲۰۱۳) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر ارائه به‌موقع صورت‌های مالی حسابرسی شده در مالزی پرداختند. نتایج آنان نشان داد که شرکت‌های مورد بررسی ۱۰۰ روز پس از پایان سال مالی اقدام به گزارش‌گری مالی می‌نمایند و عواملی همچون اندازه کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت، اندازه شرکت و سودآوری را از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر ارائه به‌موقع صورت‌های مالی شناسایی نمودند و عواملی همچون نوع حسابرسی، تخصص حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی رابطه‌ای با به‌موقع بودن صورت‌های مالی ندارد.

حبیب (۲۰۱۵) به این نتیجه رسید که پذیرش استانداردهای تجدیدنظر شده در کشور چین منجر به افزایش وقفه گزارش حسابرسی برای شرکت‌های چینی گردیده است. همچنین این افزایش برای صاحب‌کاران حسابرسی شده توسط مؤسسات کوچک حسابرسی، بیش‌تر بوده است. گریفین و لونت (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌دار با عواملی چون نوع گزارش حسابرسی، تغییر حسابرسی، نوع صنعت، نسبت جاری، تعداد بخش‌های واحد تجاری، و اندازه صاحب‌کار دارد.

آستانا و بونه (۲۰۱۲) نتیجه گرفتند: تغییر حسابرسی موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. مؤسسات حسابرسی برای پذیرش کار جدید، حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهند تا بتوانند کار جدید را به‌دست آورند. همچنین کاهش حق‌الزحمه می‌تواند به دلیل ساختار بازار حق‌الزحمه حسابرسی باشد.

لی و بالی (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه مستقیم و معناداری دارد اما با اقلام تعهدی و اصلاح اشتباهات رابطه معکوس دارد. این با دیدگاه قانون‌گذاران در رابطه با این‌که کیفیت حسابرسی مؤسسه‌ها، اطلاعات مفیدی را برای صاحب‌کاران و سرمایه‌گذاران، هنگام ارزیابی مؤسسه‌های حسابرسی فراهم می‌آورد، همسو می‌باشد.

لیستا و سوکریستو (۲۰۱۵) پژوهش خود را با جامعه‌ای متشکل از شرکت‌های بازار سرمایه اندونزی که شامل حسابرسان ارشد، سرپرستان و مدیران و شرکایی که عضو مؤسسه حسابرسی FAPM بوده‌اند، انجام داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از این بود که استقلال حسابرسی، دوره تصدی حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر مثبتی بر کیفیت حسابرسی دارد به طوری که کیفیت حسابرسی تحت تأثیر ۲۱,۴٪ متغیرهای حق‌الزحمه و استقلال حسابرسی می‌باشد و باقی‌مانده شامل آن دسته از متغیرهایی می‌باشد که در این آزمایش مورد بررسی قرار نگرفته‌اند؛ از جمله: اندازه حسابرسی، تخصص حسابرسی در صنعت و ریسک حسابرسی.

دی فرانکو (۲۰۱۶) نشان داد زمانی که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیش‌تر است، سطح تحلیل‌ها افزایش می‌یابد و دقت پیش‌بینی بهبود و پراکندگی پیش‌بینی‌ها کاهش می‌یابد. همچنین در پژوهش خود دریافت که برای یک مجموعه از شرکت‌ها، وجود اطلاعات قابل‌مقایسه، هزینه دستیابی به اطلاعات را کاهش می‌دهد و کمیت و کیفیت کلی اطلاعات موجود در مورد شرکت‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین این امکان را فراهم می‌کند که تحلیل‌گران عملکرد تاریخی شرکت‌ها را بهتر توضیح دهند.

فونگ، رامان و زو (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر شاخص‌های نظارتی PCAOB^۱ در کشورهای خارج از آمریکا پرداختند. آن‌ها ۵۵ کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف آن‌ها این بود که تأثیر استانداردها و شاخص‌های PCAOB در بهبود کیفیت حسابرسی در کشورهای غیر آمریکایی مورد بررسی قرار بگیرد. طبق نتایج به‌دست آمده استفاده از برنامه بازرسی بین‌المللی PCAOB سبب ارتقای کیفیت حسابرسی در کشورهای غیر آمریکایی می‌شود.

هوش هو و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه میان چسبندگی حق‌الزحمه حسابرسی در بازار رقابتی و تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی پرداختند. در این پژوهش کاهش در چسبندگی بالا و افزایش در چسبندگی پایین به‌عنوان افزایش غلظت بازار در دوره پیشنهادی مطرح شده است. عدم تقارن بین چسبندگی هزینه‌های بالا و پایین در بازارهای محلی بیش‌تر تحت تأثیر عوامل داخلی می‌باشد

براندوس و فیتراپانی (۲۰۱۸) نشان دادند که افزایش در حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی باعث اظهارنظر مطلوب در حسابرسان می‌شود. علاوه بر این افزایش حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی بر خرید اظهارنظر حسابرسی از طریق افزایش وابستگی حسابرسی به مشتریان و کاهش استقلال حسابرسی تأثیر می‌گذارد.

لذا با توجه به آنچه گفته شد فرضیات اول تا سوم به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بین سرمایه اجتماعی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سرمایه اجتماعی و تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین سرمایه اجتماعی و نوع اظهارنظر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

از طرفی در چند دهه گذشته افزایش نسبتاً زیادی در دارایی‌های نامشهود در ترازنامه‌های شرکت‌ها وجود داشته است. ناکامورا (۲۰۰۸) بیان می‌کند که سرمایه‌گذاری در زمینه دارایی‌های

نامشهود از حدود ۴٪ در تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۱۹۷۷ به ۹ تا ۱۰٪ در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است (لو، گو، ۲۰۱۶). اگرچه شیوه‌های حسابداری مربوط به دارایی‌های نامشهود شبیه به اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات است اما تفاوت عمده این است که مزایای آتی دارایی‌های نامشهود معمولاً خیلی کم‌تر از دارایی‌های مشهود سنجیده می‌شود (اسپیکلند و همکاران، ۲۰۱۷). حسابداری دارایی‌های نامشهود، مجموعه‌ای متفاوت از چالش‌ها را نسبت به حسابداری دارایی‌های مشهود مانند اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات دارا می‌باشد. از یک سو دارایی‌های مشهود نیاز به تأیید فیزیکی دارند که ممکن است وقت‌گیر و پرهزینه باشد. در مقابل دارایی‌های نامشهود نیازی به تأیید فیزیکی گسترده ندارند. از سوی دیگر ممکن است ارزشیابی دارایی‌های مشهود نسبتاً ساده‌تر باشد، درحالی‌که برای بعضی از دارایی‌های نامشهود پیچیده مانند سرقفلی، ارزیابی بسیار سخت‌تر است. (رامانا، وات، ۲۰۱۲). بنابراین چگونگی ارزیابی حسابرسان از حسابداری دارایی‌های نامشهود به‌عنوان یک کار حسابداری که مستلزم تلاش بیش‌تر و ریسک بیش‌تری نسبت به سایر دارایی‌ها می‌باشد یک مسئله تجربی است (ویسواناتان، ۲۰۱۷). لذا با در نظر داشتن قیمت سایر محصولات، می‌توان حق‌الزحمه حسابداری را نیز بازنمایی از ارزش بازار خدمات حسابداری دانست. خدمات جدید مرتبط با حسابداری به‌طور معناداری متفاوت از دیگر خدمات هستند. این تفاوت را می‌توان در ارتباط خاص بین طرف عرضه‌کننده و طرف درخواست‌کننده خدمات حسابداری مشاهده نمود. سمت عرضه‌کننده خدمات حسابداری، حسابرسان مستقل بوده و سمت تقاضاکننده این خدمات، مالکان، اعتباردهندگان، مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی هستند. مدیران داخلی شرکت‌ها جهت ایفای وظایف خود نسبت به مالکان خارجی متقاضی خدمات حسابداری هستند. لذا شکل‌گیری حق‌الزحمه حسابداری نتیجه تعادل بین عرضه‌کننده و تقاضاکننده نیست بلکه نخست مؤسسه حسابداری است که این هزینه را معین می‌کند. دمسکی و سوپرینگ (۲۰۰۹) عنوان می‌کنند که حسابرسان مستقل قسمتی مهم از سیستم گزارش‌گری مالی را تشکیل می‌دهد. استفاده از حسابرسان مستقل می‌تواند نشان‌دهنده ایفای تعهدات مدیریت صاحب‌کار نسبت به سرمایه‌گذاران باشد و حق‌الزحمه حسابداری را می‌توان هزینه‌ای در نظر گرفت که صاحب‌کار در مقابل ایفای این تعهدات به حسابرسان پرداخت می‌نماید. از سوی دیگر میزان حق‌الزحمه حسابداری به میزان کار صورت گرفته جهت بررسی صورت‌های مالی نیز وابسته است. تفاوت در حق‌الزحمه حسابداری مؤسسات گوناگون، ناشی از اختلاف در میزان و به‌نوعی کیفیت کار آن‌ها است و این حق‌الزحمه باید هزینه‌های صورت گرفته توسط مؤسسات را پوشش دهد (لام، ۱۹۹۸). به دلیل این‌که اقتصاد مبتنی بر دانش در حال رشد روزافزون است از این جهت اهمیت دارایی‌های نامشهود به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است اما تعداد کمی از مقالات به بررسی چگونگی ارزیابی حسابرسان از رشد دارایی‌های نامشهود در ترازنامه پرداخته‌اند. در این ارتباط شپمن و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین نقصان سرقفلی و هزینه‌های حسابداری و کریشنان و وانگ (۲۰۱۴) رابطه بین هزینه‌های توسعه نرم‌افزار و هزینه‌های حسابداری را بررسی کردند. علاوه بر این کمیته نظارت بر حسابداری عمومی^۲ ضعف‌های قابل‌توجهی در حسابداری

دارایی‌های نامشهود بیان کردند. همچنین ارزیابی‌های دارایی‌ها عامل مهمی در رابطه بین هزینه حسابرسی و دارایی‌های نامشهود است (ویسواناتان، ۲۰۱۷).

شرکت‌ها برای بقای استراتژیکی باید مزیت رقابتی را در نظر بگیرند و از آنجایی که تولیدات، بازارها، تکنولوژی، رقبا و مقررات به‌طور سریع و گسترده در جامعه در حال تغییر می‌باشند، بهبود دانش و نوآوری مستمر، آن‌ها را قادر به حفظ مزیت رقابتی پایدار خواهد کرد. بنابراین امروزه مدیران، دانش و توانایی به وجود آوردن و به‌کارگیری دانش را به‌عنوان مهم‌ترین منبع مزیت رقابتی پایدار به حساب می‌آورند. زیرا دانش به‌عنوان یک دارایی حساب شده و تلاش در جهت مدیریت دانش و به‌کارگیری دارایی‌های فکری با موفقیت زیادی در جهت هدایت سازمان‌ها همراه بوده است. در عصر کنونی با رشد اقتصاد مبتنی بر دانش یا دانش‌محور، دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها و سرمایه فکری آن‌ها کلیدی جهت رسیدن به مزیت رقابتی پایدار می‌باشند. به همین علت توجه به اقلام نامشهود در زمینه‌های متعددی از جمله: اقتصاد، حسابداری و مدیریت استراتژیک به‌طور سریعی رشد یافته است. دانش یک مزیت رقابتی است که در استراتژی تجاری سازمان‌ها مورد توجه قرار دارد (چوی، ۲۰۰۸). سرمایه فکری از جمله مؤلفه‌های مهم در مؤسسه‌های حسابرسی می‌باشد که نقش کلیدی را جهت ارتقای اعتبار صورت‌های مالی بر عهده دارد. سرمایه فکری یعنی کل موجودی سرمایه یا حق مالکانه مبتنی بر دانش که شرکت مالک آن است. رسوایی‌های اخلاقی برخی شرکت‌های بزرگ جهان، انتظار از حسابداران رسمی را برای رعایت همه‌جانبه رهنمودهای اخلاقی افزایش داده است (درجه، ۲۰۱۰). از این‌رو موضوع‌های مربوط به تصمیم‌گیری اخلاقی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. حرفه حسابرسی نیز همواره بر آن بوده که تصمیم‌ها و قضاوت‌های حسابرسان به صورت منطقی و همراه با در نظر گرفتن مسائل اخلاقی اتخاذ شوند. مارک و میشل (۲۰۰۷) بیان کردند امروزه به علت رشد و توسعه برنامه‌های دولت، حسابرسی بخش عمومی متحول شده و حوزه خود را فراتر از حسابرسی مالی یا رعایت قرار داده و به سمت حسابرسی عملکرد مدیریت جهت نظارت مؤثر و کارآمد، سوق داده است. با ظهور حسابرسی عملکرد، قلمرو جدیدی در پیش روی حسابرسان قرار گرفته است. زیرا با اجرای آن انتظار می‌رود که حسابرسان دیوان محاسبات کشور میزان کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی واقعی طرح‌ها، پروژه‌ها و برنامه‌های دستگاه اجرایی و پیامدهای مدیریت صحیح بر منابع را ارزیابی کنند و برای کنترل و بهبود عملکرد آن‌ها پیشنهادهای ارزنده‌ای ارائه نمایند. لذا ما انتظار داریم که سرمایه انسانی به‌عنوان بخشی از سرمایه فکری بر خروجی‌های حسابرسی تأثیر معناداری داشته باشد. از این‌رو در ادامه تحقیقاتی را که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است، ارائه می‌دهیم:

کولینان و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که بهبود در اظهارنظر حسابرس نسبت به سال قبل سبب افشای زودتر گزارش مالی سالانه شرکت‌ها شده و عدم بهبود در اظهارنظر حسابرس سبب افشای دیرتر گزارش مالی سالانه می‌شود. همچنین نتایج آنان نشان می‌دهد. بزرگی تغییرات در اظهارنظر حسابرسی نیز، سبب تأثیر بیش‌تری به‌موقع بودن گزارش‌گری سالانه است.

تسپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) دریافتند که اظهارنظر حسابرسی ارتباط معناداری با مدیریت سود ندارد. همچنین مشخصه‌های مالی شرکت صاحب‌کار، مانند سودآوری و اندازه شرکت در تصمیم حسابرسی پیرامون تعدیل گزارش خود در ارتباط با ابهام در تداوم فعالیت مؤثرتر از مدیریت سود است.

تاهیناکیس و سماریناس (۲۰۱۶) محتوای اطلاعاتی اظهارنظر حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که اظهار نظر حسابرسی بر بازار سرمایه اثر معناداری دارد و نوع چنین اثری به‌طور مستقیم به مواردی چون اندازه حسابرسی اندازه صاحب‌کار و وضعیت مالی شرکت بستگی دارد.

آباد و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین نوع اظهارنظر حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه در کشور اسپانیا پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های با اظهارنظر مقبول نسبت به شرکت‌های با اظهارنظر مشروط، سطح عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری دارند.

ساماها و خلیف (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر تأخیر در گزارش حسابرسی پرداختند. یافته‌های پژوهش مؤید این مطلب بود که ویژگی‌های کمیته حسابرسی، عامل راهبری شرکتی و حسابرسی مستقل سهم بسزایی در تأخیر در گزارش حسابرسی دارند.

بوآلی (۲۰۱۸) و حاجی (۲۰۱۵) دریافتند که کمیته حسابرسی با سرمایه فکری و اجزای آن (سرمایه انسانی، ساختاری و ارتباطی) رابطه مثبت و معناداری دارد. سکاندو و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که بین سرمایه فکری و پایداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد بدین معنا که با افزایش سرمایه فکری، پایداری نیز افزایش می‌یابد. کریستینا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه مدیریت ریسک سازمانی و فرآیند حسابرسی (حق‌الزحمه حسابرسی و تأخیر در رسیدگی) در شرکت‌های بیمه و بازنشستگی با سطح کیفیت استانداردهای EMR پرداختند. یافته‌های آن‌ها مؤید این بوده است که شرکت‌های با سطح کیفیت بالا در EMR به‌طور پیوسته حق‌الزحمه حسابرسی و تأخیر در حسابرسی و احتمال تشکیل در پرونده حسابرسی را کاهش می‌دهند. همچنین پژوهش حاکی از وجود رابطه غیرخطی می‌باشد و بیش‌ترین مزایای EMR زمانی که شرکت‌ها رتبه خود را از ضعیف به متوسط بهبود می‌بخشند به سازمان‌ها تعلق می‌گیرد. لذا با توجه به آنچه گفته شد فرضیات چهارم تا ششم به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه چهارم: بین سرمایه فکری و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین سرمایه فکری و تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: بین سرمایه فکری و نوع اظهارنظر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ هستند. برای نمونه‌گیری از روش حذفی سیستماتیک

- استفاده می‌شود و در نهایت پس از اعمال شرایط زیر، نمونه آماری پژوهش انتخاب می‌شود:
- ۱- تا پایان سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ۲- شرکت‌های مورد نظر طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و سهام آن‌ها مورد معامله قرار گرفته باشند (توقف معاملات بیش از ۶ ماه نبوده باشد).
 - ۳- اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش را در دوره زمانی پژوهش به‌طور کامل ارائه کرده باشند.
 - ۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه و واسطه‌گری مالی نباشند.
- با توجه به اطلاعات گردآوری شده در انتهای سال ۱۳۹۷ براساس جدول ۱ نمونه نهایی حاصل شد.

جدول (۱) تعداد شرکت‌های جامعه آماری و اعمال شرایط جهت انتخاب نمونه

تعداد کل شرکت‌ها	شرکت‌های حذف شده در مجموع دوره‌ها	شرح
۳۹۵		کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
	۸۸	حذف شرکت‌های واسطه‌گری مالی، تأمین مالی، بیمه و سرمایه‌گذاری
	۲۴	حذف شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش به بورس ورود پیدا نموده‌اند
	۹۶	حذف به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات
۱۸۷		جامعه آماری

۲-۳- روش و ابزار گردآوری داده‌ها

اطلاعات و داده‌های خام و اولیه لازم برای آزمون فرضیات با استفاده از بانک اطلاعاتی مربوط به بورس اوراق بهادار تهران شامل تدبیر پرداز و ره‌آورد نوین و نیز گزارش‌های انتشار یافته توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران از طریق رجوع مستقیم به آن‌ها (که با بررسی گزارش‌های افشاشده در سایت کدال صورت می‌گیرد و سپس به صورت دستی جمع‌آوری می‌گردد) به صورت لوح فشرده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نیز در سایت rdis.ir ارائه شده است و نیز سایر منابع لازم جمع‌آوری خواهند شد.

۳-۳- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش بررسی داده‌ها به صورت مقطعی و سال به سال (دیتا پانل) بوده برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون خطی چند متغیره و به‌منظور تحلیل داده‌های به‌دست آمده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بدین ترتیب که برای توصیف داده‌ها از جدول توزیع فراوانی و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون اف لیمر، آزمون هاسمن، آزمون نرمال بودن و آزمون رگرسیون خطی چندگانه استفاده می‌شود.

۳-۴- مدل پژوهش

برای آزمون فرضیات سوم و ششم از رگرسیون لجستیک و برای مابقی از چندگانه به شرح زیر استفاده شده است:

برای آزمون فرضیه اول از مدل ۱ به شرح زیر استفاده شده است:

مدل (۱)

$$AQ_{it} = a_0 + a_1 SC_{it} + a_2 INCAP_{it} + a_3 HCE_{it} + a_4 SCE_{it} + a_5 OCE_{it} + a_6 CCE_{it} + a_7 Loss_{it} + a_8 LEV_{it} + a_9 ROA_{it} + a_{10} AGE_{it} + a_{11} AIS_{it} + a_{12} SIZE_{it} + a_{13} NONREST_{it} + a_{14} BUSY_{it} + a_{15} GRW_{it} + a_{16} RISK_{it} + a_{17} ROE_{it} + a_{18} MTB_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه دوم و چهارم از مدل ۲ به شرح زیر استفاده شده است:

مدل (۲)

$$DEALY_{it} = a_0 + a_1 SC_{it} + a_2 INCAP_{it} + a_3 HCE_{it} + a_4 SCE_{it} + a_5 OCE_{it} + a_6 CCE_{it} + a_7 Loss_{it} + a_8 LEV_{it} + a_9 ROA_{it} + a_{10} AGE_{it} + a_{11} AIS_{it} + a_{12} SIZE_{it} + a_{13} NONREST_{it} + a_{14} BUSY_{it} + a_{15} GRW_{it} + a_{16} RISK_{it} + a_{17} ROE_{it} + a_{18} MTB_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه سوم و پنجم از مدل ۳ به شرح زیر استفاده شده است:

مدل (۳)

$$ART_{it} = a_0 + a_1 SC_{it} + a_2 INCAP_{it} + a_3 HCE_{it} + a_4 SCE_{it} + a_5 OCE_{it} + a_6 CCE_{it} + a_7 Loss_{it} + a_8 LEV_{it} + a_9 ROA_{it} + a_{10} AGE_{it} + a_{11} AIS_{it} + a_{12} SIZE_{it} + a_{13} NONREST_{it} + a_{14} BUSY_{it} + a_{15} GRW_{it} + a_{16} RISK_{it} + a_{17} ROE_{it} + a_{18} MTB_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

AQ: کیفیت حسابرسی، برای سنجش کیفیت حسابرسی از تحلیل عاملی اکتشافی ۵ متغیر

زیر استفاده شده است:

۱. استقلال مالی حسابرسان برابر است با مجموع حق‌الزحمه‌های دریافتی هر مؤسسه حسابرسی در هر سال از هر صاحب‌کار تقسیم بر مجموع تمامی حق‌الزحمه‌های دریافتی حسابرسان در هر صنعت. اگر این نسبت از ۰,۵ بیشتر باشد به منزله عدم استقلال و عدد صفر و اگر کمتر از ۰,۵ بوده عدد یک و به منزله استقلال مالی حسابرس می‌باشد.
۲. تجدید ارائه صورت‌های مالی، اگر در سال مالی صورت‌های مالی تجدید ارائه شده باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر.
۳. بزرگی مؤسسات حسابرسی، اگر مؤسسه حسابرسی جزو سازمان حسابرسی یا مفید راهبر باشد عدد یک در غیر این صورت صفر.
۴. دوره تصدی مؤسسات حسابرسی برابر است با تعداد سال‌هایی که حسابرس به‌طور مداوم حسابرسی واحد مورد بررسی را تا سال مورد بررسی بر عهده داشته است.
۵. تغییر حسابرس، اگر در سال مورد بررسی حسابرس تغییر کرده باشد عدد یک در غیر این

صورت عدد صفر.

در این پژوهش از تحلیل عاملی اکتشافی^۳ (به روش مؤلفه اصلی^۴) برای محاسبه متغیر کیفیت حسابرسی استفاده شده است. تحلیل عاملی یک روش آماری چند متغیره برای دسته‌بندی و شناسایی ساختارهای موجود در بین داده‌های تحقیق است. عمدتاً به دو دلیل از این روش آماری استفاده می‌شود: اولاً؛ روش تحلیل عاملی اکتشافی ما را قادر به ترکیب مجموعه گسترده‌ای از شاخص‌های کیفی و کمی کیفیت حسابرسی جهت ایجاد پراکسی کیفیت حسابرسی می‌کند، درحالی‌که در مطالعات پیشین یا مجموعه محدودی از عوامل مرتبط کیفیت حسابرسی که بعضاً یک مورد به‌عنوان کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده‌اند و یا مشکل چند خطی بودن که می‌تواند ناشی از وجود چندین متغیر کیفیت حسابرسی به صورت متغیر کنترلی و مستقل در مدل‌های تجربی باشد را نادیده گرفته‌اند و از طرفی کنترل روابط متقابل بالقوه متغیرها کار بسیار مهم و سختی می‌باشد. ثانیاً؛ یکی از ویژگی‌های روش تحلیل عاملی اکتشافی این است که به هریک از متغیرهای سهیم در کیفیت حسابرسی وزنی بر اساس خروجی ماتریس ضریب همبستگی نسبت می‌دهد و این روش برخلاف مطالعات پیشین است که تأثیر هریک از عوامل حاکمیت شرکتی را یکسان فرض می‌کند.

در خصوص نحوه محاسبه متغیر کیفیت حسابرسی باید گفت که ابتدا اطلاعات مربوط به ۵ عامل کیفیت حسابرسی که بر انگیزه و توانایی مدیریت تأثیر می‌گذارد را برای هر سال - شرکت جمع‌آوری، سپس ماتریس ضریب همبستگی خطی ۵ متغیر فوق به تفکیک سال استخراج و در نهایت تحلیل عاملی اکتشافی انجام می‌گیرد و وزن هریک از متغیرهای پنج‌گانه به‌دست می‌آید. متغیر کیفیت حسابرسی از مجموع ضرب وزنی عامل در مقدار عددی عامل مربوطه به‌دست می‌آید.

DEALY: تأخیر در گزارش حسابرسی، لگاریتم طبیعی فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی.

ART: نوع اظهارنظر حسابرس، اگر حسابرس اظهارنظر مقبول داده باشد عدد یک، اگر مشروط دو، اگر مردود سه و اگر نظر عدم اظهارنظر ارائه نموده باشد عدد چهار.

SC: سرمایه اجتماعی که از گزارش‌های سالانه لگاتوم برای کشورهای مختلف جهان استخراج شده است.

INCP: سرمایه فکری در این پژوهش برای اندازه‌گیری سرمایه فکری از ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری، تدوین شده توسط پالیک (۲۰۰۰) و تعدیل شده چانگ (۲۰۰۷) استفاده می‌شود. طبق مدل پالیک، ارزش افزوده از تفاوت بین ستاده‌ها و نهاده‌ها حاصل شده است:

$$1) VA = OUT - IN$$

نهاده‌ها - ستاده‌ها = ارزش افزوده

در این مدل، هزینه حقوق و دستمزد به دلیل نقش فعال نیروی انسانی در فرآیند ایجاد ارزش در ورودی گنجانده نمی‌شود. بنابراین هزینه مربوط به کارکنان به‌عنوان هزینه در نظر گرفته

نمی‌شود بلکه به‌عنوان سرمایه‌گذاری تلقی می‌گردد:

$$2) VA = OP + EC + D + A$$

استهلاک دارایی‌های نامشهود + استهلاک دارایی‌های ثابت + هزینه نیرو کار + سود عملیاتی = ارزش افزوده

۱-۴-۳- کارایی سرمایه انسانی (HCE)

نحوه محاسبه کارایی سرمایه انسانی توسط چانگ به آن معنی است که به ازای یک ریال هزینه حقوق و دستمزد پرداختی چند ریال ارزش افزوده حاصل شده است:

$$3) HC = IHR$$

سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی = سرمایه انسانی

$$4) HCE = VA \div HC$$

سرمایه انسانی \div ارزش افزوده = کارایی سرمایه انسانی
سرمایه انسانی شامل هزینه‌های دستمزد مستقیم، دستمزد غیرمستقیم و هزینه دستمزد بخش‌های فروش، بازاریابی و اداری است.

۲-۴-۳- کارایی سرمایه ساختاری (SCE):

این ضریب نشان‌دهنده ارزش افزوده ایجاد شده ناشی از فرآیندها و ساختارهای موجود در شرکت است. این به آن معنی است که چند درصد از ارزش افزوده شرکت ناشی از سرمایه ساختاری است (چانگ، ۲۰۰۷). پالیک عنوان کرد که یک رابطه معکوس متناسب بین سرمایه ساختاری و سرمایه انسانی وجود دارد. لذا سرمایه ساختاری و ضریب کارایی سرمایه ساختاری از رابطه زیر محاسبه می‌شوند:

$$5) SC = VA - HC$$

سرمایه انسانی - ارزش افزوده = سرمایه ساختاری

$$6) SCE = SC \div VA$$

ارزش افزوده \div سرمایه ساختاری = کارایی سرمایه ساختاری
نظری (۲۰۱۰) با استفاده از مدل (ادینسون، مالون، ۱۹۹۹) بیان می‌کند که سرمایه ساختاری از دو جزء سرمایه مشتری و سرمایه سازمانی تشکیل می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت کارایی سرمایه ساختاری عبارت است از کارایی سرمایه مشتری (CCE) و کارایی سرمایه سازمانی (OCE) که از رابطه زیر به‌دست می‌آید:

$$7) SCE = (CC \div VA) + (OC \div VA)$$

(ارزش افزوده \div سرمایه سازمانی) + (ارزش افزوده \div سرمایه مشتری) = کارایی سرمایه ساختاری

سپس برای محاسبه سرمایه مشتری و سرمایه سازمانی از دو رابطه زیر استفاده می‌کنیم:

$$8) OC = D \& S$$

هزینه تبلیغات و بازاریابی = سرمایه مشتری

$$9) CC = SC - OC$$

سرمایه مشتری - سرمایه ساختاری = سرمایه سازمانی

$$10) CCE = CE \div VA$$

ارزش افزوده \div سرمایه ارتباطی = کارایی سرمایه ارتباطی

AIS: تخصص حسابرِس در صنعت i در سال t است که در این تحقیق از سهم از بازار به‌عنوان شاخصی برای تخصص حسابرِس در صنعت بهره برده می‌شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هرچه سهم از بازار حسابرِس بیشتر، تخصص صنعت و تجربه حسابرِس نسبت به سایر رقبا بیشتر می‌باشد. سهم بازار حسابرِس به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

رابطه (۱)

مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران هر مؤسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران در صنعت خاص

در این تحقیق مؤسسه‌هایی به‌عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان یعنی نسبت یاد شده در بالا، بیش از [۱,۲ * (تعداد شرکت‌های موجود/۱)] باشد. پس از محاسبه سهم از بازار یک مؤسسه حسابرسی، اگر مقدار به‌دست آمده از مقدار رابطه بالا بیش‌تر باشد، مؤسسه حسابرسی در آن صنعت متخصص است. بنابراین اگر مؤسسه حسابرسی، متخصص صنعت باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌گیرد (حبیب و بیهویان، ۲۰۱۱).

NONREST: عدم تجدید ارائه، اگر واحد مورد بررسی در سال مورد رسیدگی صورت‌های مالی سال قبل را تجدید ارائه نکرده باشد عدد یک در غیر این صورت صفر.
risk: ریسک حسابرسی برابر است با موجودی کالا به‌علاوه حساب‌های دریافتی تقسیم بر دارایی‌های شرکت.

LEV: اهرم مالی برابر است با نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت در سال مورد بررسی.

Age: عمر شرکت برابر است با مدت زمانی که از تاریخ تأسیس شرکت تا سال مورد بررسی می‌گذرد.

Size: اندازه شرکت برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی شرکت.

Roe: بازده حقوق صاحبان سهام برابر است با سود خالص تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

Mtb: نسبت ارزش بازار برابر است با ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام.

ROA: بازده کل دارایی‌ها برابر است نسبت سود خالص تقسیم بر مجموع دارایی‌ها در سال مورد بررسی.

GRW: رشد فروش برابر است با مجموع فروش امسال منهای سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل.
 Loss: زیان‌ده بودن متغیر دامی، اگر شرکت در سال مورد بررسی زیان‌ده باشد عدد یک در غیر این صورت صفر.
 Busy: پایان سال مالی، اگر ۲۹ اسفند باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر.
 Year: متغیر دامی سال.
 Industry: متغیر دامی صنعت.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

ما در این مطالعه از ۳ مدل به منظور بررسی رابطه بین سرمایه فکری و اجتماعی با خروجی‌های حسابرسی (کیفیت حسابرسی، تأخیر در گزارش حسابرسی و نوع اظهارنظر حسابرسی) استفاده نموده‌ایم. علاوه بر این تحقیق حاضر روش داده‌های تابلویی شامل ۱۸۷ شرکت ایرانی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ را در پایه داده‌ای خود گنجانده است. به منظور برآورد مدل‌ها، از متغیرهای سرمایه فکری، سرمایه اجتماعی، نوع اظهارنظر حسابرسی، تأخیر در گزارش حسابرسی و کیفیت حسابرسی استفاده شده است.

جدول (۲) آمار توصیفی

متغیر	تعداد مشاهده	میانگین	انحراف معیار	کم‌ترین	بیش‌ترین
کیفیت حسابرسی	۱۳۰۹	۰.۴۰۵	۰.۳۵۷	۰.۰۰۲	۲.۱۰۷
تأخیر گزارش	۱۳۰۹	۴.۲۵۵	۰.۴۰۳	۱.۹۴۵	۵.۳۷۵
نوع اظهارنظر	۱۳۰۹	۰.۴۷۹	۰.۴۹۹	۰.۰۰۰	۱.۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۱۳۰۹	۹۵.۱۴۳	۲۵.۷۰۸	۵۵.۰۰۰	۱۲۱.۰۰۰
عمر شرکت	۱۳۰۹	۳۹.۳۰۱	۱۳.۱۸۶	۸.۰۰۰	۶۷.۰۰۰
زیان‌ده بودن	۱۳۰۹	۰.۱۳۹	۰.۳۴۶	۰.۰۰۰	۱.۰۰۰
بازده کل دارایی‌ها	۱۳۰۹	۰.۱۰۴	۰.۱۶۳	-۱.۰۶۳	۱.۲۴۱
اهرم مالی	۱۳۰۹	۰.۶۱۳	۰.۲۷۰	۰.۰۶۱	۴.۰۰۲
تخصص حسابرسی	۱۳۰۹	۰.۴۳۴	۰.۴۹۵	۰.۰۰۰	۱.۰۰۰
اندازه شرکت	۱۳۰۹	۱۴.۳۰۲	۱.۵۴۲	۱۰.۵۳۳	۱۹.۷۷۴
عدم تجدید ارائه	۱۳۰۹	۰.۲۵۳	۰.۴۳۵	۰.۰۰۰	۱.۰۰۰
پایان سال مالی	۱۳۰۹	۰.۶۸۴	۰.۴۶۵	۰.۰۰۰	۱.۰۰۰
رشد فروش	۱۳۰۹	۰.۲۵۳	۰.۶۰۲	-۱.۰۰۰	۷.۹۳۹

ریسک	۱۳۰۹	۰.۵۵۷	۰.۴۳۳	۰.۰۰۲	۷.۸۰۹
بازده صاحبان سهام	۱۳۰۹	۰.۲۸۳	۰.۵۶۷	-۲.۸۹۸	۶.۸۸۸
نسبت ارزش بازار	۱۳۰۹	۴.۲۶۵	۶.۰۱۷	-۵۹.۵۹۵	۵۳.۴۶۴
کارایی سرمایه انسانی	۱۳۰۹	۰.۳۹۱	۰.۶۰۹	-۷.۴۵۶	۸.۲۸۱
کارایی سرمایه ساختاری	۱۳۰۹	۰.۶۰۹	۰.۶۰۹	-۷.۲۸۱	۸.۴۵۶
کارایی سرمایه مشتری	۱۳۰۹	۰.۵۹۸	۰.۶۱۵	-۷.۳۰۲	۸.۶۲۰
کارایی سرمایه سازمانی	۱۳۰۹	۰.۰۱۱	۰.۰۴۳	-۰.۷۳۸	۰.۸۱۰
سرمایه فکری	۱۳۰۹	۱.۵۹۱	۰.۵۷۳	-۶.۳۰۲	۶.۱۱۲

۲-۴- ریشه واحد

با بررسی ریشه واحد تمامی متغیرها، تماماً در سطح بدون ریشه واحد (مانا) هستند. آماره LM به‌دست‌آمده برای هر متغیر در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول (۳) نتایج آزمون ریشه واحد هادری

نام متغیر	سطح	نام متغیر	سطح
کیفیت حسابرسی	۰.۵۱۲	تأخیر در گزارش	۰.۲۹۸
نوع اظهارنظر	۰.۳۲۵	سرمایه اجتماعی	۰.۹۹۸
عمر شرکت	۰.۲۱۹	زیان‌ده بودن	۰.۴۵۲
بازده کل دارایی‌ها	۰.۵۱۲	اهرم مالی	۰.۶۱۱
تخصص حسابرسان	۱.۰۰۰	اندازه شرکت	۰.۳۵۴
عدم تجدید ارائه	۰.۱۵۸	پایان سال مالی	۰.۶۷۸
رشد فروش	۱.۰۰۰	ریسک	۰.۳۹۱
بازده صاحبان سهام	۰.۲۶۵	نسبت ارزش بازار	۰.۲۰۹
کارایی سرمایه انسانی	۰.۱۲۹	کارایی سرمایه ساختاری	۰.۱۳۹
کارایی سرمایه سازمانی	۰.۱۶۹	کارایی سرمایه مشتری	۰.۱۹۸
سرمایه فکری	۰.۳۳۶		

توجه: فرض صفر عدم وجود ریشه واحد در متغیرها است. آماره LM گزارش شده است.

۳-۴- آزمون هم‌خطی

با بررسی هم‌خطی متغیرها طبق جدول ۴ متغیرها هم‌خطی ندارند و مستقل از یکدیگر هستند.

جدول (۴) آزمون هم‌خطی

متغیر	VIF	VIF/1
بازده کل دارایی‌ها	۲.۸۵	۰.۳۵۱
اهرم مالی	۲.۱۰	۰.۴۷۵
کارایی سرمایه ساختاری	۱.۹۶	۰.۵۱۰
بازده صاحبان سهام	۱.۵۹	۰.۶۳۱
اندازه شرکت	۱.۴۹	۰.۶۷۰
زیان‌ده بودن	۱.۴۹	۰.۶۷۱
تخصص حسابرسان	۱.۳۷	۰.۷۲۹
سرمایه اجتماعی	۱.۲۷	۰.۷۸۵
نسبت ارزش بازار	۱.۲۷	۰.۷۸۸
کارایی سرمایه مشتری	۱.۱۴	۰.۸۷۶
کارایی سرمایه سازمانی	۱.۱۲	۰.۸۹۶
ریسک	۱.۰۸	۰.۹۲۵
کارایی سرمایه انسانی	۱.۰۸	۰.۹۲۹
سرمایه فکری	۱.۰۷	۰.۹۳۱
عدم تجدید ارائه	۱.۰۷	۰.۹۳۵
رشد فروش	۱.۰۷	۰.۹۳۶
عمر شرکت	۱.۰۶	۰.۹۴۶
پایان سال مالی	۱.۰۳	۰.۹۶۸
میانگین VIF	۱.۴۰	

همان‌طور که در جدول فوق نیز نشان داده شده است، با توجه به آماره به‌دست آمده VIF که برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ به‌دست آمده است، هم‌خطی بین هیچ‌کدام از متغیرهای مدل وجود ندارد.

جدول (۵) تحلیل حساسیت

کیفیت حسابرسی	کفایت حسابرسی	تاخیر گزارش	نوع اظهار نظر	سرمایه اجتماعی	عمر شرکت	زمان ده بودن	بازده کل دارایی ها	اهم مالی	تخصص حسابرین	اندازه شرکت	کارایی سرمایه انسانی	کارایی سرمایه ساختاری	کارایی سرمایه سازمانی	کارایی سرمایه مشتری
۱۰۰۰														
تاخیر گزارش	-۰.۰۴۷	۱.۰۰۰												
نوع اظهار نظر	۰.۰۱۳	۰.۰۸۱	۱.۰۰۰											
سرمایه اجتماعی	-۰.۱۰۰	۰.۰۲۹	-۰.۰۲۳	۱.۰۰۰										
عمر شرکت	۰.۱۳۳	۰.۰۲۱	-۰.۰۳۱	-۰.۱۳۳	۱.۰۰۰									
زمان ده بودن	۰.۱۵۰	-۰.۰۴۷	۰.۰۶۹	-۰.۰۷۷	۰.۰۹۶	۱.۰۰۰								
بازده کل دارایی ها	-۰.۲۰۸	۰.۰۲۱	-۰.۰۳۹	۰.۱۲۱	-۰.۱۲۵	-۰.۵۸۳	۱.۰۰۰							
اهم مالی	۰.۱۴۸	-۰.۰۰۱	۰.۰۱۷	-۰.۰۲۶	۰.۰۷۲	۰.۴۴۱	-۰.۶۹۵	۱.۰۰۰						
تخصص حسابرین	۰.۱۳۲	۰.۰۱۰	۰.۰۸۰	-۰.۰۲۴	۰.۰۳۸	-۰.۰۶۴	۰.۱۳۸	۰.۰۴۶	۱.۰۰۰					
اندازه شرکت	۰.۲۲۹	-۰.۰۳۱	-۰.۰۲۳	-۰.۱۷۶	-۰.۰۱۵	-۰.۰۰۸	۰.۰۸۹	۰.۰۶۶	۰.۴۸۴	۱.۰۰۰				
کارایی سرمایه انسانی	۰.۰۲۲	-۰.۰۰۶	-۰.۰۳۸	-۰.۰۱۵	۰.۰۲۲	۰.۱۸۲	-۰.۱۳۷	-۰.۰۰۶	-۰.۰۷۴	-۰.۰۵۱	۱.۰۰۰			
کارایی سرمایه ساختاری	-۰.۰۲۲	۰.۰۶۲	۰.۰۳۸	۰.۰۱۵	-۰.۰۲۲	-۰.۱۸۲	۰.۱۳۷	۰.۰۰۶	۰.۰۷۴	۰.۰۵۱	-۱.۰۰۰	۱.۰۰۰		
کارایی سرمایه مشتری	-۰.۰۲۵	۰.۰۴۲	-۰.۰۱۷	۰.۰۰۳	۰.۰۸۹	-۰.۰۲۰	-۰.۰۲۳	۰.۱۱۱	۰.۰۰۵	-۰.۰۲۹	۰.۰۸۰	-۰.۰۸۰	۱.۰۰۰	
سرمایه فکری	-۰.۰۲۰	۰.۰۵۹	۰.۰۳۸	۰.۰۱۵	-۰.۰۲۹	-۰.۱۷۹	۰.۱۳۸	-۰.۰۰۲	۰.۰۷۳	۰.۰۵۳	-۰.۹۹۷	۰.۹۹۷	-۰.۱۵۴	۱.۰۰۰
عدم تجدید ارائه	-۰.۱۱۰	۰.۰۰۴	۰.۰۳۷	-۰.۲۱۷	-۰.۰۱۲	-۰.۱۷۹	۰.۰۶۶	-۰.۰۶۶	۰.۰۴۱	۰.۰۰۹	-۰.۰۵۳	۰.۰۵۳	-۰.۱۵۴	۰.۰۵۵
پایان سال مالی	۰.۰۲۳	۰.۰۸۷	۰.۱۰۲	۰.۰۰۳	-۰.۰۲۱	-۰.۰۲۱	۰.۰۷۹	-۰.۰۱۲	۰.۱۰۴	۰.۰۱۱	-۰.۰۹۲	۰.۰۹۲	-۰.۰۳۱	۰.۰۹۲
رشد فروش	-۰.۰۳۳	-۰.۰۹۲	-۰.۰۲۱	-۰.۰۴۷	۰.۰۱۷	-۰.۱۳۸	۰.۱۷۹	-۰.۰۶۴	۰.۰۱۴	-۰.۰۰۴	-۰.۰۴۶	۰.۰۴۶	-۰.۰۱۴	۰.۰۴۷
ریسک	۰.۰۲۱	۰.۰۹۳	۰.۰۴۲	-۰.۰۱۵	۰.۰۳۶	-۰.۰۰۱	-۰.۰۶۰	۰.۱۳۸	۰.۰۳۲	-۰.۱۰۶	-۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	-۰.۰۱۸	-۰.۰۰۱
بازده صاحبان سهام	-۰.۰۲۳	-۰.۰۱۳	-۰.۰۱۲	۰.۰۰۴	-۰.۰۴۵	-۰.۰۳۶	۰.۲۹۶	-۰.۰۱۲	۰.۱۰۴	۰.۰۸۸	-۰.۲۱۷	۰.۲۱۷	۰.۱۷۲	۰.۲۱۵
نسبت ارزش بازار	-۰.۰۸۱	۰.۲۲۱	۰.۰۶۰	-۰.۲۴۲	۰.۰۲۳	-۰.۱۳۱	۰.۱۲۱	-۰.۱۲۱	۰.۰۰۱	-۰.۱۱۴	-۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۶	۰.۰۰۲

نسبت ارزش بازار	بازده صاحبان سهام	ریسک	رشد فروش	پایان سال مالی	عدم تجدید ارائه	سرمایه فکری
						سرمایه فکری
						عدم تجدید ارائه
				۱.۰۰۰	۰.۰۱۹	۰.۰۹۲
			۱.۰۰۰	-۰.۰۱۵	۰.۰۲۸	۰.۰۴۷
		۱.۰۰۰	۰.۰۱۷	۰.۰۵۱	-۰.۰۲۲	-۰.۰۰۱
	۱.۰۰۰	۰.۰۴۹	۰.۰۷۴	۰.۰۶۰	۰.۰۳۳	۰.۲۱۵
۱.۰۰۰	-۰.۲۸۵	۰.۰۴۵	۰.۰۷۳	۰.۰۹۶	۰.۱۰۵	۰.۰۰۲

این آزمون که به تحلیل حساسیت نیز شناخته شده است، رابطه بین متغیرهای استفاده شده در مدل را دو به دو مورد بررسی قرار می‌دهد، که خروجی آن ماتریس فوق می‌باشد. قطر این ماتریس از آنجا که همبستگی بین متغیر با خودش را بررسی می‌کند همیشه یک است، به معنای همبستگی کامل، هر چه این اعداد به یک نزدیک‌تر همبستگی بیش‌تر و هر چه به صفر نزدیک‌تر بدون همبستگی خواهند بود. بازه همبستگی بین منفی ۱ تا مثبت ۱ است. اعداد منفی بیانگر همبستگی معکوس و اعداد مثبت بیانگر همبستگی مستقیم می‌باشد.

۴-۴- تخمین مدل‌های پژوهش

جدول (۶) نتایج مدل (۱)

کیفیت حسابرسی	ضریب	خطای استاندارد	t آماره	سطح احتمال (prob)
سرمایه اجتماعی	۰.۰۱۳	۰.۰۰۱	۱۶.۸۳	۰.۰۰۰
عمر شرکت	۰.۱۸۰	۰.۰۱۰	۱۷.۵۱	۰.۰۰۰
زیان‌ده بودن	-۰.۰۲۶	۰.۰۱۴	-۱.۸۷	۰.۰۶۱
بازده کل دارایی‌ها	-۰.۴۱۲	۰.۱۲۶	-۳.۲۸	۰.۰۰۱
اهرم مالی	-۰.۰۹۳	۰.۰۳۴	-۲.۷۵	۰.۰۰۶
تخصص حسابرسان	-۰.۰۶۹	۰.۰۲۸	-۲.۴۴	۰.۰۱۵
اندازه شرکت	۰.۱۸۴	۰.۰۳۶	۵.۱۱	۰.۰۰۰
کارایی سرمایه انسانی	۰.۰۱۵	۰.۰۰۶	۲.۷۱	۰.۰۰۷
کارایی سرمایه ساختاری	۰.۲۱۴	۰.۰۷۹	۲.۷۲	۰.۰۰۸

کارایی سرمایه سازمانی	۰.۰۳۵	۰.۰۱۵	۲.۳۲	۰.۰۲۰
کارایی سرمایه مشتری	۰.۰۵۴	۰.۰۰۹	۵.۵۸	۰.۰۰۰
سرمایه فکری	-۰.۱۲۴	۰.۰۳۴	-۳.۶۷	۰.۰۰۰
عدم تجدید ارائه	-۰.۱۵۳	۰.۰۲۴	-۶.۴۷	۰.۰۰۰
پایان سال مالی	-۰.۰۰۲	۰.۰۰۱	-۲.۸۵	۰.۰۰۴
رشد فروش	۰.۰۲۵	۰.۰۱۳	۱.۸۸	۰.۰۶۱
ریسک	-۰.۰۱۲	۰.۰۲۱	-۰.۵۶	۰.۵۷۵
بازده صاحبان سهام	۰.۰۳۶	۰.۰۲۲	۱.۶۲	۰.۱۰۵
نسبت ارزش بازار	-۰.۰۰۴	۰.۰۰۲	-۱.۷۷	۰.۰۷۷
عرض از مبدأ-con	-۱۰.۴۳۵	۰.۵۸۸	-۱۷.۷۴	۰.۰۰۰
آماره وزنی				
تعداد مشاهده	۱۰۴۷			
ضریب تعیین (R-SQ)	۰.۴۱۰۳			
ضریب تعیین تعدیل شده (R-SQ ₂)	۰.۰۴۳۳			
مدل P-value	F (۱۴,۸۸۰)=۴۳.۷۳			
	Prob>F=۰.۰۰۰			
اف - لیمر	F (۱۵۲,۸۸۰)=۵.۶۵			
	Prob>F=۰.۰۰۰			
هاسمن	Wald Chi ۲ (۱۳)=۵۴۷.۱۸			
	Prob>chi ۲=۰.۰۰۰			

برای برآورد مدل ابتدا باید تلفیقی بودن و یا تابلویی بودن داده‌ها توسط آزمون F بررسی شود. فرضیه صفر در این آزمون بیان‌کننده تلفیقی بودن داده‌ها و فرضیه یک بیان‌کننده تابلویی بودن داده‌ها می‌باشد. اگر بعد از انجام آزمون F، فرضیه H_0 رد شده باشد، این پرسش مطرح می‌شود که مدل در قالب کدام یک از مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، قابل بررسی است که به‌وسیله آزمون هاسمن مشخص می‌شود. با توجه به نتایج آزمون ادغام که در جدول ۶ ارائه شده است، فرض صفر مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها در سطح ۹۹٪ اطمینان برای مدل اول پژوهش رد می‌گردد. بنابراین باید از مدل داده‌های تابلویی به‌منظور برآورد ضرایب مدل پژوهش استفاده نمود. همچنین طبق جدول ۶ آماره آزمون هاسمن بر اساس برآورد برای مدل پژوهش ۵۴۷,۱۸ با سطح احتمال به ۰,۰۰۰ می‌باشد که از مقدار جدول کوچک‌تر بوده و فرض صفر رد می‌شود. از این‌رو مدل اثرات ثابت به‌عنوان مدل مناسب‌تر برای مدل ۱ انتخاب شده است.

با توجه به جدول ۶ بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد چراکه P- مقدار آن‌ها ۰,۰۰۰ و ۰,۰۰۰۰۰ می‌باشد که از سطح معناداری ۰,۰۵٪ کم‌تر و ضریب آن‌ها نیز عدد مثبت ۰,۰۱۳ و ۰,۱۵۳ می‌باشد که نشان‌دهنده وجود یک ارتباط مثبت و معنادار این متغیرها با کیفیت حسابرسی است. همچنین بین سرمایه انسانی، ساختاری، مشتری و ارتباطی مشتری با کیفیت حسابرسی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد چراکه P- مقدار این متغیرها نیز به ترتیب ۰,۰۰۷, ۰,۰۰۸, ۰,۰۲۰ و ۰,۰۰۰ بوده که از سطح معناداری ۰,۰۵٪ کم‌تر و ضرایب آن‌ها نیز به ترتیب اعداد مثبت ۰,۰۱۵, ۰,۲۱۴, ۰,۰۳۴ و ۰,۰۵۴ می‌باشد، لذا رابطه از نوع مثبت و مستقیم می‌باشد.

جدول (۷) نتایج مدل (۲)

تأخیر گزارش	ضریب	خطای استاندارد	T آماره	سطح احتمال (Prob)
سرمایه اجتماعی	-۰,۰۳۳	۰,۰۰۷	-۵,۰۴	۰,۰۰۰
عمر شرکت	۰,۰۰۳	۰,۰۰۲	۲,۰۲	۰,۰۴۳
زیان‌ده بودن	-۰,۰۵۸	۰,۰۴۵	-۱,۲۹	۰,۱۹۶
بازده کل دارایی‌ها	-۰,۰۳۷	۰,۰۱۶	-۲,۲۷	۰,۰۲۴
اهرم مالی	۰,۰۱۸	۰,۰۰۴	۵,۰۱	۰,۰۰۰
تخصص حسابر	۰,۰۵۲	۰,۰۳۳	۱,۵۷	۰,۱۱۶
اندازه شرکت	-۰,۰۰۸	۰,۰۰۲	-۲,۹۳	۰,۰۰۴
کارایی سرمایه انسانی	-۰,۰۱۴	۰,۰۰۵	-۲,۸۰	۰,۰۰۵
کارایی سرمایه ساختاری	-۰,۰۵۸	۰,۰۲۱	-۲,۸۰	۰,۰۰۵
کارایی سرمایه سازمانی	-۰,۶۶۶	۰,۳۱۷	-۲,۱۰	۰,۰۳۶
کارایی سرمایه مشتری	-۰,۱۸۴	۰,۰۶۲	-۲,۹۸	۰,۰۰۳
سرمایه فکری	۰,۰۲۲	۰,۰۱۳	۱,۷۸	۰,۰۷۵
عدم تجدید ارائه	۰,۰۱۳	۰,۰۰۷	۱,۹۰	۰,۰۵۷
پایان سال مالی	۰,۰۱۶	۰,۰۰۸	۱,۹۶	۰,۰۵۰
رشد فروش	-۰,۰۴۰	۰,۰۱۷	-۲,۳۴	۰,۰۱۹
ریسک	۰,۰۷۵	۰,۰۲۲	۳,۴۷	۰,۰۰۱
بازده صاحبان سهام	-۰,۳۵۳	۰,۰۵۱	-۶,۹۷	۰,۰۰۰
نسبت ارزش بازار	-۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۰۱	-۲,۲۷	۰,۰۲۳
عرض از مبدأ-con	۴,۲۶۸	۰,۳۲۸	۱۳,۰۰	۰,۰۰۰

آماره وزنی	
تعداد مشاهده	۱۰۴۷
ضریب تعیین R-SQ	۰.۵۹۹۳
ضریب تعیین تعدیل شده R-SQ ₂	۰.۰۳۱۶
مدل P-value	Wald Chi ۲ (۱۵)=۲۳.۲۹
	Prob>chi ۲=۰.۰۷۸۲
اف - میلر	F (۱۵۲,۸۸۰)=۷.۱۵
	Prob>F=۰.۰۰۰
هاسمن	Wald Chi ۲ (۱۳)=۱۰.۵۷

با توجه به نتایج آزمون ادغام که در جدول ۷ ارائه شده است، فرض صفر مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها در سطح ۹۹٪ اطمینان برای مدل دوم پژوهش نیز رد می‌گردد. بنابراین باید از مدل داده‌های تابلویی به منظور برآورد ضرایب مدل پژوهش استفاده نمود. همچنین طبق جدول ۷ آماره آزمون هاسمن بر اساس برآورد برای مدل پژوهش ۱۰,۵۷ با سطح احتمال به ۰,۶۴۶۸ می‌باشد که از مقدار جدول بزرگ‌تر بوده و فرض صفر رد نمی‌شود. از این رو مدل اثرات تصادفی به عنوان مدل مناسب‌تر برای مدل ۲ انتخاب شده است.

با توجه به جدول ۷ بین سرمایه اجتماعی با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد چراکه P- مقدار ۰,۰۰۰۰ می‌باشد که از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضریب آن نیز عدد منفی ۰,۰۳۳ می‌باشد که نشان‌دهنده وجود ارتباط منفی و معنادار این متغیر با تأخیر در گزارش حسابرسی است. همچنین بین کارایی سرمایه انسانی، ساختاری، مشتری و ارتباطی با تأخیر در گزارش حسابرسی نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد. چراکه P- مقدار این متغیرها نیز به ترتیب ۰,۰۰۵، ۰,۰۰۵، ۰,۰۳۶ و ۰,۰۰۳ بوده که از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضرایب آن‌ها نیز به ترتیب اعداد منفی ۰,۰۱۴، ۰,۰۵۸، ۰,۶۶۵ و ۰,۱۸۴ می‌باشد. لذا رابطه از نوع منفی و مستقیم می‌باشد. طبق نتایج جدول فوق بین سرمایه فکری و تأخیر در گزارش حسابرسی در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه معناداری مشاهده نشده است. چراکه P- مقدار آن ۰,۰۷۵ بوده که از سطح معناداری ۵٪ بیش‌تر می‌باشد.

جدول (۸) نتایج مدل (۳)

نوع اظهار نظر حسابرسان	ضریب	خطای استاندارد	t آماره	سطح احتمال (Prob)
سرمایه اجتماعی	۰.۰۰۴	۰.۰۰۱	۴.۴۹	۰.۰۰۰
عمر شرکت	-۰.۰۰۳	۰.۰۰۲	-۱.۹۱	۰.۰۵۷
زبان ده بودن	۰.۰۵۸	۰.۰۴۷	۱.۲۳	۰.۲۱۹
بازده کل دارایی‌ها	-۰.۳۲۴	۰.۱۶۵	-۱.۹۶	۰.۰۴۹
اهرم مالی	-۰.۰۸۱	۰.۰۳۳	-۲.۴۶	۰.۰۱۴
تخصص حسابرسان	۰.۰۲۱	۰.۰۱۲	۱.۷۵	۰.۰۸۳
اندازه شرکت	-۰.۰۲۶	۰.۰۱۱	-۲.۴۹	۰.۰۱۳
کارایی سرمایه انسانی	۰.۰۲۶	۰.۰۰۹	۲.۸۸	۰.۰۰۴
کارایی سرمایه ساختاری	۰.۰۸۹	۰.۰۳۵	۲.۵۲	۰.۰۱۲
کارایی سرمایه سازمانی	۰.۳۶۷	۰.۲۱۱	۱.۷۴	۰.۰۸۲
کارایی سرمایه مشتری	۰.۰۳۹	۰.۰۰۸	۵.۰۵	۰.۰۰۰
سرمایه فکری	۰.۰۲۷	۰.۰۱۱	۲.۳۸	۰.۰۱۸
عدم تجدید ارائه	۰.۰۶۸	۰.۰۴۲	۱.۶۳	۰.۱۰۴
پایان سال مالی	۰.۱۰۲	۰.۰۵۸	۱.۷۵	۰.۰۸۱
رشد فروش	-۰.۰۱۱	۰.۰۰۵	-۲.۴۴	۰.۰۱۵
ریسک	۰.۰۴۱	۰.۰۳۶	۱.۱۵	۰.۲۵۱
بازده صاحبان سهام	۰.۰۰۲	۰.۰۰۱	۱.۸۱	۰.۰۷۱
نسبت ارزش بازار	۰.۰۰۶	۰.۰۰۳	۱.۶۸	۰.۰۹۲
عرض از مبدأ-con	۰.۱۸۱	۰.۴۲۶	۰.۴۲	۰.۶۷۱
آماره وزنی				
تعداد مشاهده	۱۰۴۷			
ضریب تعیین R-SQ	۰.۶۵۵۳			
ضریب تعیین تعدیل شده R-SQ ²	۰.۰۲۲۰			
مدل P-value	Wald Chi ۲ (۱۵)=۳۲.۴۱			
	Prob>chi ۲=۰.۰۰۵۷			
اف - لیمر	F (۱۵۲,۸۸۰)=۴.۲۲			
	Prob>F=۰.۰۰۰			
هاسمن	Wald Chi ۲ (۱۳)=۱۰.۴۵			
	Prob>chi ۲=۰.۶۵۶۷			

با توجه به نتایج آزمون ادغام که در جدول ۸ ارائه شده است، فرض صفر مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها در سطح ۹۹٪ اطمینان برای مدل سوم پژوهش نیز رد می‌گردد. بنابراین باید از مدل داده‌های تابلویی به‌منظور برآورد ضرایب مدل پژوهش استفاده نمود. همچنین طبق جدول ۸ آماره آزمون هاسمن بر اساس برآورد برای مدل پژوهش ۱۰،۴۵ با سطح احتمال به ۰،۶۵۶۷ می‌باشد که از مقدار جدول بزرگ‌تر بوده و فرض صفر رد نمی‌شود. از این‌رو مدل اثرات تصادفی به‌عنوان مدل مناسب‌تر برای مدل ۳ انتخاب شده است.

با توجه به جدول ۸ بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با نوع اظهارنظر حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. چراکه P -مقدار آن‌ها ۰،۰۰۰ و ۰،۰۱۸ می‌باشد که از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضریب آن‌ها نیز عدد مثبت ۰،۰۰۴ و ۰،۰۲۷ می‌باشد که نشان‌دهنده وجود ارتباط مثبت و معنادار این متغیرها با نوع اظهارنظر حسابرسی است. همچنین بین کارایی سرمایه انسانی، ساختاری، مشتری و ارتباطی با نوع اظهارنظر حسابرسی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. چراکه P -مقدار این متغیرها نیز به ترتیب ۰،۰۰۴، ۰،۰۱۲، ۰،۰۸۲ و ۰،۰۰۰ بوده که برای تمام متغیرها به‌جز کارایی سرمایه مشتری که از سطح معناداری ۵٪ بیش‌تر بقیه از این سطح کم‌تر می‌باشند و ضرایب آن‌ها نیز به ترتیب اعداد مثبت ۰،۰۲۶، ۰،۰۸۹، ۰،۳۶۷ می‌باشد. لذا رابطه از نوع مثبت و مستقیم بوده اما برای سرمایه مشتری این ارتباط در سطح ۹۵٪ اطمینان وجود نداشته است.

۴-۵- آزمون‌های تأییدی

در پژوهش حاضر برای دستیابی به نتایج بهتر و تأیید نتایج پژوهش، فرضیات پژوهش با روش‌های اثرات ثابت، ترکیبی و لینر مورد آزمون قرار داده شده است. نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

جدول (۹) آزمون تأییدی نتایج مدل (۱)

متغیر	لینر		RE	
	مدل (۱)		مدل (۲)	
	کیفیت حسابرسی		کیفیت حسابرسی	
	ضریب	pvalue	ضریب	pvalue
سرمایه اجتماعی	۰،۰۰۷	۰،۰۱۳	۰،۰۰۱	۰،۰۲۵
عمر شرکت	۰،۰۰۳	۰،۰۰۱	۰،۰۰۴	۰،۰۰۰
زیان‌ده بودن	-۰،۰۹۶	۰،۰۰۰	-۰،۰۰۴	۰،۰۳۰
بازده کل دارایی‌ها	-۰،۶۱۶	۰،۰۰۰	-۰،۷۳۱	۰،۰۰۰
اهرم مالی	-۰،۱۰۶	۰،۰۶۳	-۰،۱۴۴	۰،۰۳۲
تخصص حسابررس	-۰،۰۰۱	۰،۰۰۴	-۰،۰۰۹	۰،۰۲۵

اندازه شرکت	۰.۰۵۲	۰.۰۰۰	۰.۰۷۵	۰.۰۰۰
کارایی سرمایه انسانی	۰.۰۱۳	۰.۰۰۴	۰.۱۵۷	۰.۰۲۵
کارایی سرمایه ساختاری	۰.۲۴۹	۰.۰۰۸	۰.۰۰۷	۰.۰۲۳
کارایی سرمایه سازمانی	۰.۰۶۹	۰.۰۰۸	۰.۰۰۹	۰.۰۰۴
کارایی سرمایه مشتری	۰.۱۴۰	۰.۰۰۴	۰.۱۴۷	۰.۰۰۸
سرمایه فکری	-۰.۰۳۳	۰.۰۰۲	-۰.۰۹۶	۰.۰۲۲
عدم تجدید ارائه	-۰.۰۸۹	۰.۰۰۰	-۰.۱۰۵	۰.۰۰۰
پایان سال مالی	۰.۰۳۳	۰.۱۴۴	-۰.۰۱۸	۰.۰۱۴
رشد فروش	۰.۰۰۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۷	۰.۰۱۳
ریسک	۰.۰۲۵	۰.۲۸۴	۰.۰۲۱	۰.۱۸۵
بازده صاحبان سهام	۰.۰۳۰	۰.۲۴۹	۰.۰۳۱	۰.۳۵۴
نسبت ارزش بازار	-۰.۰۰۷	۰.۰۰۴	-۰.۰۰۳	۰.۰۳۲
عرض از مبدأ-con	-۰.۳۰۳	۰.۰۳۹	-۰.۵۲۱	۰.۰۷۵
آماره وزنی				
تعداد مشاهده	۱۰۴۷		۱۰۴۷	
ضریب تعیین R-SQ	۰.۸۹۶۲		۰.۱۹۲۱	
ضریب تعیین تعدیل شده R-SQ ₂	۰.۸۱۷۷		۰.۱۵۲۰	
مدل P-value	F (۱۵,۱۰۳۱) = ۱۱.۲۵		Wald Chi ۲ (۱۵) = ۱۹۳.۴۷	
	Prob>F=۰.۰۰۰		Prob>chi ۲=۰.۰۰۰	

به منظور تأیید نتایج مدل ۱ رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با کیفیت حسابرسی را با روش اثرات تصادفی و لینر نیز مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به نتایج جدول فوق بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. چراکه P- مقدار آن‌ها در هر دو روش از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضرایب آن‌ها نیز مثبت و معنادار می‌باشد. از این رو نتایج روش‌های اضافی نیز تأییدکننده نتایج روش اصلی پژوهش بوده است. همچنین بین سرمایه انسانی، ساختاری، مشتری و ارتباطی مشتری با کیفیت حسابرسی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. چراکه P- مقدار این متغیرها نیز بر اساس روش لینر و اثرات تصادفی طبق جدول ۹ از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضرایب آن‌ها نیز اعداد مثبت می‌باشند. لذا رابطه بین این متغیرها با کیفیت حسابرسی نیز مثبت و معنادار می‌باشد. این نتایج نیز با نتایج روش اصل پژوهش هم‌راستا و نتایج اصلی را تأیید می‌کند.

جدول (۱۰) آزمون تأییدی نتایج مدل (۲)

متغیر	لینر		Fe	
	مدل (۲)		مدل (۲)	
	تأخیر گزارش		تأخیر گزارش	
	ضریب	Pvalue	ضریب	pvalue
سرمایه اجتماعی	-۰.۰۹۶	۰.۰۰۰	۰.۰۵۸	۰.۰۰۵
عمر شرکت	۰.۰۰۸	۰.۰۵۵	۰.۰۰۹	۰.۰۰۴
زیان‌ده بودن	-۰.۰۶۸	۰.۱۲۳	-۰.۰۵۴	۰.۱۶۰
بازده کل دارایی‌ها	۰.۱۲۳	۰.۳۸۱	-۰.۰۳۳	۰.۰۰۲
اهرم مالی	۰.۰۰۷	۰.۰۲۳	۰.۰۰۴	۰.۰۰۰
تخصص حسابرین	۰.۰۱۱	۰.۰۴۱	۰.۰۷۱	۰.۰۲۴
اندازه شرکت	-۰.۰۰۸	۰.۴۱۹	-۰.۰۱۳	۰.۰۰۵
کارایی سرمایه انسانی	-۰.۰۸۲	۰.۰۷۲	-۰.۰۰۴	۰.۰۵۷
کارایی سرمایه ساختاری	-۰.۳۵۰	۰.۰۰۰	-۰.۰۱۴	۰.۰۰۵
کارایی سرمایه سازمانی	-۰.۰۵۲	۰.۰۸۳	-۰.۰۷۶	۰.۰۶۶
کارایی سرمایه مشتری	-۰.۵۰۳	۰.۰۵۰	-۰.۱۶۶	۰.۰۲۴
سرمایه فکری	۰.۱۷۹	۰.۰۱۲	۰.۰۵۷	۰.۰۲۸
عدم تجدید ارائه	۰.۰۰۲	۰.۰۵۷	۰.۰۴۶	۰.۰۷۹
پایان سال مالی	۰.۰۶۹	۰.۰۰۹	۰.۰۰۲	۰.۰۲۵
رشد فروش	-۰.۰۶۷	۰.۰۰۱	-۰.۰۳۵	۰.۰۴۱
ریسک	۰.۰۷۳	۰.۰۰۷	۰.۰۷۸	۰.۰۰۱
بازده صاحبان سهام	-۰.۰۲۵	۰.۴۰۹	-۰.۲۶۹	۰.۰۴۴
نسبت ارزش بازار	-۰.۱۷۱	۰.۰۰۳	-۰.۱۸۴	۰.۰۰۰
عرض از مبدأ - con	۴.۲۰۹	۰.۰۰۰	۴.۳۱۶	۰.۰۰۰
آماره وزنی				
تعداد مشاهده	۱۰۴۷		۱۰۴۷	
ضریب تعیین R-SQ	۰.۷۷۱۳		۰.۶۴۵۲	
ضریب تعیین تعدیل شده R-SQ ²	۰.۷۴۷۳		۰.۰۳۲۶	
مدل P-value	F (۱۵, ۱۰۳۱) = ۲.۳۱		F (۱۴, ۸۸۰) = ۲.۱۲	
	Prob > F = ۰.۰۰۳۲		Prob > F = ۰.۰۰۹۴	

همچنین جهت تأیید نتایج مدل ۲ نیز این مدل را با روش اثرات ثابت و لینر مورد بررسی قرار دادیم که با توجه به جدول ۱۰ بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. چرا که P -مقدار آن‌ها از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضریب آن‌ها نیز عدد منفی می‌باشد که نشان‌دهنده وجود ارتباط منفی و معنادار این متغیرها با تأخیر در گزارش حسابرسی است. همچنین بین کارایی سرمایه انسانی، ساختاری، مشتری و ارتباطی با تأخیر در گزارش حسابرسی نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد. چرا که P -مقدار این متغیرها نیز از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضرایب آن‌ها نیز اعداد منفی می‌باشد. لذا رابطه آن‌ها از نوع منفی و مستقیم است. این نتایج با نتایج اصلی پژوهش هم‌راستا بوده با این تفاوت که در روش اصلی بین سرمایه فکری و تأخیر در گزارش حسابرسی در سطح ۹۵٪ رابطه‌ای مشاهده نشده که در دو روش اضافی این رابطه به‌طور مستحکم وجود داشته است.

جدول (۱۱) آزمون تأییدی نتایج مدل (۳)

متغیر	لینر		Fe	
	مدل (۳)		مدل (۳)	
	نوع اظهارنظر		نوع اظهار نظر	
	ضریب.	Pvalue	ضریب	Pvalue
سرمایه اجتماعی	۰.۰۰۷	۰.۰۱۳	۰.۰۰۱	۰.۰۱۰
عمر شرکت	-۰.۰۰۲	۰.۱۴۷	-۰.۰۵۸	۰.۰۰۵
زیان‌ده بودن	۰.۱۱۹	۰.۰۳۱	۰.۰۲۹	۰.۰۸۷
بازده کل دارایی‌ها	-۰.۲۳۳	۰.۱۷۹	-۰.۴۱۰	۰.۰۳۶
اهرم مالی	-۰.۰۴۳	۰.۰۰۶	-۰.۰۶۹	۰.۰۰۰
تخصیص حسابرسی	۰.۱۰۹	۰.۰۰۳	۰.۳۹۰	۰.۰۰۰
اندازه شرکت	-۰.۰۱۹	۰.۱۲۷	-۰.۰۰۳	۰.۰۷۸
کارایی سرمایه انسانی	۰.۰۵۱	۰.۰۶۶	۰.۰۴۲	۰.۰۳۸
کارایی سرمایه ساختاری	۰.۰۱۸	۰.۰۰۰	۰.۰۳۳	۰.۰۱۵
کارایی سرمایه سازمانی	۰.۰۶۹	۰.۰۰۸	۰.۰۳۵۶	۰.۰۱۱
کارایی سرمایه مشتری	۰.۴۰۹	۰.۰۰۰	۰.۰۳۳	۰.۰۰۰
سرمایه فکری	۰.۰۰۷	۰.۰۰۸	۰.۰۰۵	۰.۰۰۲
عدم تجدید ارائه	۰.۰۹۷	۰.۰۴۶	۰.۰۸۳	۰.۰۲۵
پایان سال مالی	۰.۰۹۶	۰.۰۰۴	۰.۰۸۰	۰.۰۲۲
رشد فروش	-۰.۰۱۴	۰.۰۰۵	-۰.۰۱۴	۰.۰۰۷

ریسک	۰.۰۲۴	۰.۰۴۵	۰.۰۴۶	۰.۱۵۶
بازده صاحبان سهام	۰.۰۰۷	۰.۰۱۳	۰.۰۲۳	۰.۴۹۷
نسبت ارزش بازار	۰.۰۰۵	۰.۱۱۵	۰.۰۰۶	۰.۰۱۵
عرض از مبدأ-con	۰.۷۵۰	۰.۰۰۰	۰.۸۶۷	۰.۳۴۳
آماره وزنی				
تعداد مشاهده	۱۰۴۷		۱۰۴۷	
ضریب تعیین R-SQ	۰.۶۸۱۸		۰.۵۲۶۵	
ضریب تعیین تعدیل شده R-SQ ^۲	۰.۶۷۵۵		۰.۰۲۴۴	
مدل P-value	F (۱۵,۱۰۳۱)=۲.۵۵		F (۱۴,۸۸۰)=۱.۵۷	
	Prob>F=۰.۰۰۰		Prob>F=۰.۰۸۰۷	

جهت تأیید نتایج مدل ۳ نیز این مدل را با روش اثرات ثابت و لاینر مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به جدول ۱۱ بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با نوع اظهارنظر حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. چراکه P- مقدار آن‌ها از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضریب آن‌ها نیز عدد مثبتی می‌باشد که نشان‌دهنده وجود ارتباط مثبت و معنادار این متغیرها با نوع اظهارنظر حسابرسی است. همچنین بین کارایی سرمایه انسانی، ساختاری، مشتری و ارتباطی با نوع اظهارنظر حسابرسی نیز رابطه مثبت و معناداری در روش اثرات ثابت وجود دارد. چراکه P- مقدار این متغیرها در روش اثرات ثابت از سطح معناداری ۵٪ کم‌تر و ضرایب آن‌ها نیز طبق جدول مثبت می‌باشد که نشان‌دهنده وجود ارتباط مثبت و معنادار بین این متغیرها با نوع اظهارنظر در روش اثرات ثابت است. همچنین طبق روش لاینر بین سرمایه ساختاری، ارتباطی و مشتری با نوع اظهارنظر در سطح ۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری وجود داشته اما این ارتباط در سطح ۹۵٪ برای سرمایه انسانی و نوع اظهارنظر برقرار نمی‌باشد. چراکه P- مقدار آن از سطح معناداری ۵٪ بیش‌تر بوده لذا این متغیر در سطح ۹۰٪ با نوع اظهارنظر رابطه مثبت و معنادار دارد. نتایج این دو روش نیز با نتایج اصلی پژوهش برای مدل ۳ هم‌راستا بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی می‌تواند اعتماد حسابرسان نسبت به صاحب‌کار را تحت تأثیر قرار دهد و از این طریق بر تلاش و حق‌الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. به عبارتی هرچه سرمایه اجتماعی صاحب‌کار کم‌تر باشد حسابرسی نیز در فضایی با اعتماد کم‌تر انجام می‌شود و اعتماد کم می‌تواند بر ریسک و تلاش بیش‌تر حسابرسی منجر شده و کیفیت حسابرسی را افزایش دهد (لونتیس و همکاران، ۲۰۱۳؛ جها و چن، ۲۰۱۵). همچنین حسن و همکاران (۲۰۱۵) نیز بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی از گزارش‌گری متهورانه و اتخاذ سیاست‌های فرصت‌طلبانه عملیاتی و گزارش‌گری را

کاهش می‌دهد در نتیجه اطلاعات موجود در صورت‌های مالی با شفافیت بیش‌تری تهیه می‌گردد که این امر نیز بر قضاوت حسابرس صورت‌های مالی تأثیرگذار می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با ویژگی‌های حسابرس (کیفیت حسابرسی، تأخیر در گزارش حسابرس و نوع اظهارنظر حسابرسی) پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که به‌طور کلی بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه منفی و معنادار و در نهایت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری با نوع اظهارنظر حسابرسی رابطه مثبت و معنادار وجود داشته است. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین کارایی سرمایه انسانی، ساختاری، ارتباطی و مشتری با کیفیت حسابرسی و نوع اظهارنظر حسابرسی رابطه مثبت و معنادار و بین کارایی سرمایه انسانی، ساختاری، ارتباطی و مشتری با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش سرمایه فکری، مؤلفه‌های آن (نظیر: کارایی سرمایه انسانی، ساختاری، ارتباطی و مشتری) و سرمایه اجتماعی، کیفیت حسابرسی و نوع اظهارنظر حسابرسان بهبود می‌یابد و تأخیر در گزارش حسابرسی کاهش می‌یابد. که این امر با نتایج یافته‌های زحمتکش و رضازاده (۲۰۱۷)، لونتیس و همکاران (۲۰۱۳)، جها و چن (۲۰۱۵) و حسن و همکاران (۲۰۱۵) هم‌راستا می‌باشد.

منابع

- بیگ‌پناه، بهزاد، اثنی عشری، حمیده، هشی، عباس، اسدی، غلامحسین. (۱۴۰۰). تأثیر وضعیت سرمایه انسانی در مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی، (پژوهش‌های حسابرسی) پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۱(۳)، ۱۲۹-۱۵۲.
- دارابی، رؤیا، پسندیده، پارسا، بهرام، حاجی رضا، محمدرضا. (۱۴۰۰). تبیین رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس، حق‌الزحمه حسابرسی، با کیفیت گزارش‌گری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، (پژوهش‌های حسابرسی) پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۱(۲)، ۱۱۶-۱۳۷.
- گرجی‌زاده، داوود، خان‌محمدی، محمدحامد، بزرگی، زهرا. (۱۳۹۶). تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی، مجله مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، ۳(۱۲)، ۱۹۷-۲۰۸.
- مرانجوری، مهدی، علیخانی، رضیه. (۱۳۹۹). سرمایه انسانی حسابرس و احتمال کشف تحریف صورت‌های مالی، دانش حسابداری، ۲۰(۸)، ۲۲۷-۲۴۵.
- Abad, D. Ballesta, P. and Yagüe, j. (2017), "Audit opinion and information asymmetry in the stock market", *Accounting and Finance*, Vol. 57 No. 2, pp. 565-595. <https://dx.doi.org/10.1111/acfi.12175>
- Ashana, SC. and Boone, J.P. (2012), "Abnormal audit fee and audit quality", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 31 No. 3, pp. 1-22. <https://doi.org/10.2308/ajpt-10294>
- Aronmwan, E.J. and Okafor, C.A. (2015), "Auditee characteristics and audit fees: An analysis of Nigerian quoted companies", *Journal of Social and Management*

Sciences, Vol. 10 No. 2, pp. 68-79. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2642727

Abili, K. (2010), "Designing a human resource management system for knowledge-based SMEs in Iran", Third Conference on Intellectual Capital, Xian, China, September, Vol. 9 No. 3, pp. 16-17. www.ejkm.com

Al-Harshani, M. (2008), "The pricing of audit services: evidence from Kuwait", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 23 No. 7, pp. 685-696. <https://doi.org/10.1108/02686900810890643>

Haji, A. (2015), "The role of audit committee attributes in intellectual capital disclosures: Evidence from Malaysia", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 30 No. 8/9, pp. 756-784. <https://doi.org/10.1108/MAJ-07-2015-1221>

Abidin, S. and Ahmad Zaluki, N. (2012), "Auditor Industry Specialism and Reporting Timeliness", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 65 No. 3, pp. 873 – 878. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.11.213>

Behrouzi, A. Banimahd, B. and Soleymani, A. (2013), "Audit Fees and Timeliness of Accounting Information: Evidence from Iran", *Journal of Basic and Applied*, Vol. 3 No. 6, pp. 481-487. <https://www.semanticscholar.org/paper/Audit-Fees-and-Timeliness-of-Accounting-Evidence-Behrouzi-Banimahd/e0acd690fbf7924354eb7b5e3d5f995677fa89a4>

Ball, R. Jayaraman, S. and Shivakumar, L. (2012), "Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: a test of the confirmation hypothesis", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 53 No. 1-2, pp. 136-166. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2011.11.005>

Beyghanah, B. Asnaashari, H. Hoshi, A. Assadi, G.H. (2021). The effect of human resource situation on the audit quality in the audit firms. *Journal of professional Auditing Research*. 1 (3) .128-149. (In Persian)

Beyghanah, B. and Buallay, A. (2018), "Audit committee characteristics: an empirical investigation of the contribution to intellectual capital efficiency", *Measuring Business Excellence*, Vol. 22 No. 2, pp. 183-200. <https://doi.org/10.1108/MBE-09-2017-0064>

Bernardus, L. (2018), "Impact of Abnormal Audit Fee on Audit Opinion", 6th International Accounting Conference (IAC 2017), <https://doi.org/10.2991/iac-17.2018.45>

Bourdieu, P.D. (1984), "A Social Critique of the judgment of taste routed", London

Cristina, B. Denton L.C. and Lawrence J.A. (2018), "The Impact of Enterprise Risk Management on the Audit Process: Evidence from Audit Fees and Audit Delay", *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 37 No. 3, pp. 25-46. <https://doi.org/10.2308/ajpt-51900>

Coleman, J. (1990), "Foundation of social Theory Cambridge", Harvard University Press.

Cullinan, C.P. Wang, F. Yang, B. and Zhang, J. (2012), "Audit Opinion Improvement and the Timing of Disclosure", *Advances in Accounting*, Vol. 28 No. 2, pp. 333-343. <https://doi.org/10.1016/j.adiac.2012.09.010>

Choi, C. (2008), "A knowledge-based view of cooperative inter-organizational relationships. In *Cooperative Strategies: European Perspectives*", eds. P. Beamish and J. Killing. San Francisco: New Lexington Press.

Chang, S.L. (2007)., "Valuing Intellectual Capital and Firms performance: Modifying Value Added Intellectual Coefficient (VAICTM) in Taiwan IT Industry", Doctoral Dissertation, Golden Gate University.

https://books.google.com/books/about/Valuing_Intellectual_Capital_and_Firms_P.html?id=34zytgAACAAJ

- Darabi ,R .Pasandidehparsa ,B &Hajireza ,M . (2021).Explaining the Relationship between Audit Quality ,Auditor Independence ,Audit Fee and Financial Reporting Quality in Insurance Companies .Journal of professional Auditing Research .1 (2) .132-155 . (In Persian).
- De Franco, G. Kothari, S. and Verdi, R. (2011), "The benefits of financial statement comparability", Journal of Accounting Research, Vol. 49 No. 4, pp. 895–931. <https://doi.org/10.1111/j.1475-679X.2011.00415.x>
- Demskey, N. and Suring, M. (2009), "Effect of audit risk (inherent risk, control risk detection riskdan) the determination of the audit", FEB UB.
- Dredge D. (2010), "Place change and tourist development conflict: Evaluating public interest", Tourism Management; Vol. 31 No. 1, pp. 104-112. <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2009.01.004>
- Edvinsson, L. and Malone, M. (1999), "Intellektual'nyikapital [Intellectual capital]", New post-industrial wave in the West. Anthology. Moscow: Academia
- Fung, S.Y.K. Raman, K.K. and Zhu, X. (2017), "Does the PCAOB international inspection program improve audit quality for non-US-listed foreign clients?",Journal of Accounting and Economics, Vol. 64 No. 1, pp. 15-36. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2017.04.002>
- Gorjizadeh ,D .Khanmohammadi ,M.H &Bozorgi ,Z . (2017).The effect of audit firm size and audit fee on audit quality . Journal of Economic studies ,Financial Management and Accounting .3 (12),197-208 . (In Persian).
- Griffi, P. and Lont, D. (2011), "Audit fees around dismissals and resignations: Additional evidence", Journal of Contemporary Accounting & Economics, Vol. 7 No. 2, pp. 65–81.<https://doi.org/10.1016/j.jcae.2011.10.001>
- Hsu, I.C. and Sabherwal, R. (2012), "Relationship between intellectual capital and knowledge management: an empirical investigation", Decision Sciences, Vol. 43 No. 3, pp. 489-524. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1540-5915.2012.00357.x>
- Hshui, Ch. Guo, Y. and Lai Lan Mo, Ph. (2019), "Market Competition, Audit Fee Stickiness, and Audit Quality: Evidence from China", AUDITING: A Journal of Practice, Vol. 38 No. 2, pp. 79–99. <https://doi.org/10.2308/ajpt-52173>
- Habib, A. (2015), "The New Chinese Accounting Standards and Audit Report Lag", International Journal of Auditing, Vol. 19 No. 1, pp. 1-14.<https://doi.org/10.1111/ijau.12030>
- Habib, A. and Bhaiyan, M.B. (2011), "Audit firm industry specialization and the audit report lag. Journal of International Accounting", Auditing and Taxation, Vol. 20 No. 1, pp. 32–44. DOI: 10.1016/j.intaccaudtax.2010.12.004,
- Hasan, I. Hoi, C. Wu, Q. and Zhang, H. (2015), "Social capital and debt contracting: evidence from bank loans and public bonds", Journal of Financial and Quantitative Analysis, Vol. 52 No. 3, pp. 1017-1047. <https://doi.org/10.1017/S0022109017000205>
- Jha, A. and Chen, Y. (2015), "Audit fees and social capital", The Accounting Review, Vol. 90 No. 2, pp. 611-639. <https://doi.org/10.2308/accr-50878>
- Jizi, M. and Nehme, R. (2018), "Board monitoring and audit fees: the moderating role of CEO/chair dual roles", Managerial Auditing Journal, Vol. 33 No. 2, pp.217-243, <https://doi.org/10.1108/MAJ-10-2016-1464>
- Jacobs, J. (1961), "the Death and Life of Great American Cities", New York: Random House
- Krishnan, G.V. and Wang, C. (2014)", Are capitalized software development costs informative about audit risk?", Accounting Horizons, Vol. 28 No. 1, pp. 39–57.<https://doi.org/10.2308/acch-50580>

Khorwatt, E. (2008), "Audit Risk Assessment– the Professional Balancing Act", Monthly Electronic Bulletin of ASCA, available at: www.ascasociety.Org

Kogilavani, A. and MarjanMohd, N. (2013), "Determinants of Audit Report Lag and Corporate Governance in Malaysia", International Journal of Business and Management, Vol. 8, No. 15, pp. 151-163. <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/ijbm/article/view/28936>

Khasawneh, S. (2010), " Learning organization disciplines in higher education institutions: An approach to human resource development in Jordan", Innovation higher education. Vol. 36 No. 4, pp. 273-285. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10755-010-9170-8>

Lim, H. and Woo, S. (2014), "the effect of market competition on audit fees and audit hour: focusing on the interaction with earnings management", Journal of Accounting & Economics, Vol. 2 pp. 1296-1314.

Lištya, Y. and Rahmina, S.A. (2014), "Influence of auditor independence, audit tenure, and audit fee on audit quality of members of capital market accountant forum in Indonesia", International Conference on Accounting, Studies Procedia - Social and Behavioral Sciences Vol. 164, pp. 324 – 331. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.11.083>

Lee J.E. and Bae, G.S. (2012), "How Do Audit Firm Quality Indicators Relate to Engagement-Level Audit Quality?", Available at: <https://ssrn.com/abstract=2149953>.

Loury, G. (1977), "A Dynamic Theory of Racial Income Differences" in P. A. Wallace and A. Le Mundeds Women Minorities and Employment Discrimination (Lexington MA . : Lexington Books 1977)

Lev, B. and Gu, F. (2016), "The end of accounting and the path forward for investors and managers", Hoboken: Wiley Finance. ISBN: 978-1-119-19109-4

Leventis, S. Hasan, I. and Dedoulis, E. (2013), "The cost of sin: the effect of social norms on Audit pricing", International Review of Financial Analysis, Vol. 29, pp. 152-165. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2013.03.006>

Lam, K.C. (1998), "Risk Adjusted Audit Pricing: Theory and Empirical Evidence", PhD thesis, University of Toronto, 5.

Mark, R.K. and Michael, P.E. (2007), "Strategy and Society: The Link between Competitive Advantage and Corporate Social Responsibility", Harvard Business Review, Vol. 84 No. 12, pp. 78–92. <https://hbr.org/2006/12/strategy-and-society-the-link-between-competitive-advantage-and-corporate-social-responsibility>

Mande, V. Son, M. and Song, H. (2017), "Auditor search periods as signals of engagement risk: Effects on auditor choice and audit pricing", Advances in Accounting, Vol. 37, pp. 15-29. <https://doi.org/10.1016/j.adiac.2017.03.001>

Maranjouri ,M .and Alikhani ,R . (2020).Auditor human capital and the possibility of detecting distortions of financial statements .Auditing Knowledge Journal ,20 (8) .227-245 . (In Persian)

Nakamura, L.I. (2008), "Intangible Assets and National Income Accounting", Review of Income and Wealth, Vol. 56, No. s1, pp. S135-S155. <https://doi.org/10.1111/j.1475-4991.2010.00390.x>

Nazari, J. A. (2010), "An Investigation of the Relationship between the Intellectual Capital Components and Firm's Financial Performance", researchgate.net https://www.researchgate.net/profile/Jamal_Nazari2/publication/282134314_An_Investigation_of_the_Relationship

between_the_Intellectual_Capital_Components_and_Firm

Nahapiet, J. and Ghoshal, S. (1998), "Social capital, intellectual capital and organizational advantage", *Academy of Management Review*, Vol. 23 No. 2, pp. 242-266. <https://doi.org/10.5465/amr.1998.533225>

Pulic, A. (2000), "VAIC—an accounting tool for IC management", Available at: www.measuringip.at/papers (accessed 3 November 2007).

Putnam R.D. (1993), "Making democracy work –civic traditions in modern Italy", Princeton NJ, Princeton University Press, <https://www.jstor.org/stable/j.ctt7s8r7>

Ramanna, K. and Watts, R. (2012), "Evidence on the use of unverifiable estimates in required goodwill impairment", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 17 No. 4, pp. 749–780. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11142-012-9188-5>

Roos, J. Dragonetti, N.C. and Edvinsson, L. (1997), "Intellectual Capital: Navigating In The New Business Landscape", Macmillan, Houndmills, Basingstoke,

https://www.researchgate.net/publication/274392624_Intellectual_Capital_Navigating_in_the_New_Business_Landscape

Shipman, J.E. Carcello, J.V. and Neal, T.L. (2016), "Non-audit fees: Do they matter after all?", <http://ssrn.com/abstract=2511340>.

Spiceland, J.D. Nelson, M.W. and Thomas, W.B. (2017), "Intermediate accounting", 9th Ed. New York: McGraw Hill.

Sullivan, J.P.H. and Sullivan, S.P.H. (2000) "valuing intangible companies: an intellectual capital approach," *Journal of Intellectual capital*, Vol. 1 No. 4, pp. 328- 340.

https://www.researchgate.net/publication/243464176_Valuing_intangible_companies_An_intellectual_capital_approach

Secundo, G. Ndou, V. DelVecchio, P. and De Pascale, G. (2020), "Sustainable development, intellectual capital and technology policies: A structured literature review and future research agenda", *Technological Forecasting and Social Change*", Vol. 153, <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2020.119917>

Samaha, K. and Khelif, H. (2017), "Audit-related attributes, regulatory reforms and timely disclosure: Further evidence from an emerging market", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. 15 No. 2, pp. 158-179. <https://doi.org/10.1108/JFRA-08-2015-0077>

Stewart, T. and Ruckdeschel, C. (1998), "Intellectual capital: the new wealth of organizations", *Performance Improvement*, Vol. 37 No. 7, pp. 56-59.

https://www.researchgate.net/publication/229643636_Intellectual_capital_The_new_wealth_of_organizations

Seethraman, A. sooria, H.H.B. Z. and Saravanan, A. S. (2002), "Intellectual capital accounting and reporting in the knowledge economy", *Journal of intellectual capital*, Vol. 3 No. 2, pp. 128-148. <https://doi.org/10.1108/14691930210424734>

Serenko, A. and Bontis, N. (2004), "Meta review of knowledge management and intellectual capital literature: citation impact and research productivity rankings", *Knowledge and Process Management*, Vol. 11 No. 3, pp. 185-198. https://www.researchgate.net/publication/227630429_Meta-Review_of_Knowledge_Management_and_Intellectual_Capital_Literature_Citation_Impact_and_Research_Productivity_Rankings

Teece, D. J. (2000), "Managing Intellectual Capital: Organizational, Strategic, And Policy Dimensions", Oxford, UK: Oxford university press. <https://dl.acm.org/citation.cfm?id=518419>

Tsipouridou, M. and Spathis, Ch. (2014), "Audit Opinion and Earnings Management:

Evidence from Greece", *Accounting Forum*, Vol. 38 No. 1, PP. 38-54.

<https://doi.org/10.1016/j.accfor.2013.09.002>

Tahinakis, P. and Samarinas, M. (2016), "The Incremental Information Content of Audit Opinion", *Journal of Applied Accounting Research*, Vol. 17 No. 2, pp. 139-169. <https://doi.org/10.1108/JAAR-01-2013-0011>

Visvanathan, G. (2017), "Intangible assets on the balance sheet and audit fees", *International Journal of Disclosure and Governance*, Vol. 14 No. 3, pp. 241-250. <https://link.springer.com/article/10.1057/s41310-017-0023-x>

Williamson, O. E. (1975), "Markets and Hierarchies: Analysis and Antitrust Implications: A Study in the Economics of Internal Organization", New York, NY: The Free Press. <https://ssrn.com/abstract=1496220>

Youndt, M.A. Subramaniam, M. and Snell, S.A. (2004), "Intellectual capital profiles: an examination of investments and returns", *Journal of Management Studies*, Vol. 41 No. 2, pp. 335-361. https://econpapers.repec.org/article/blajomstd/v_3a41_3ay_3a2004_3ai_3a2_3ap_3a335-361.htm or <https://doi.org/10.1111/j.1467-6486.2004.00435.x>

Zahmatkesh, S. and Rezazadeh, J. (2017), "The effect of auditor features on audit Quality", *Tékhné*, Vol. 15 No. 2, pp. 79-87. <https://doi.org/10.1016/j.tekhne.2017.09.003>

پی‌نویس:

1. Public Company Accounting Bourd
2. Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)
3. Exploratory Factor Analysis
4. Principal Component Analysis

